

تاریت مبارز مسلمان

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سیال بیست و پنجم | شماره ۱۲۴۴ | دوشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۵ | ۲۱ محرم ۱۴۴۸ | ۶ جولای ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

علی وداع

۲
نگاه

صلح مسلح بازدارندگی نهایی

سید جواد حسینی کیا

۴
بازار

تولید ملی، ستون تفکرات اقتصادی رهبر شهید

صادق



۲
سرمقاله

خونخواه تو ایم



۶
راهبرد

صبح صادق ابعاد مراسم وداع با رهبر حکیم انقلاب را معنا شناسی می‌کند

دلالت‌های ژئوپلیتیکی یک بدرقه



سال‌ها پیش در یکی از جلسات صمیمی با شاعران گفتم: «من کاری ندارم مرحوم اخوان این شعر را برای چه کسی گفته و برای چه گفته، من این شعر را خطاب به صحیفه سجّادیه می‌خوانم؛ من این شعر را خطاب به دعای ابی حمزه ثمالی می‌خوانم.» و ادامه دادی: «ای تکیه‌گاه و پناه زیباترین لحظه‌های پر عصمت و پرشکوه تنهایی و خلوت من! ای شطّ شیرین پر شوکت من...» امروز هم من کاری ندارم مرحوم اخوان ثالث

خونخواه توایم

شیرینی‌ها و تلخی‌های زیادی را تجربه کردیم و با تو «در سمت درست تاریخ ایستادیم.» تو ما را صبورانه از گردنه‌های سخت و سهمگین حوادث به سلامت عبور دادی و به سمت قله رهنمون شدی. تو در سخت‌ترین و صعب‌ترین روزها، بذر امید در دل‌هایمان کاشتی و اراده‌ها و انگیزه‌هایمان را تقویت کردی. آقای مظلوم ایران! تو آنقدر بزرگ و با عظمت بودی که هیچگاه فکر نمی‌کردیم یک روز با این کوه سترگ استقامت و پایدردی و داغ خواهیم کرد. ما همیشه شعار دادیم که «فداییان رهبریم» و از جان‌مان هم برای محافظت از تو دریغ نمی‌کنیم. خیلی‌ها سعادت داشتند و در همه این سال‌ها توفیق عمل به حرف‌هایشان را پیدا کردند و در صحنه‌های خون و خطر، جان خود

را فدا کردند، اما ما ماندیم و چه روزهای سختی بر ما گذشت. روزی که خبر شهادت را دادند، تازه فهمیدیم که تو خود را هم فدای ملت و کشور کردی. اماراستش را بخوای نه می‌خواستیم و نه می‌توانستیم باور کنیم که دیگر برای مان صحبت نخواهی کرد و در کوران حوادث نباید منتظر گرگ‌شایی هایت باشیم و داغ تو شد رستاخیز تشییع... آقای عزیز ایران! امروز بغض‌هایمان شکسته و دل‌هایمان مملو از درد دوری و فراق است. امروز که بر روی دست‌های عاشقانه تشییع می‌شوی تازه می‌فهمیم که «تکیه‌گاه و پناه زیباترین لحظه‌های» عمرمان را از دست داده‌ایم. «ای شطّ شیرین پر شوکت ما»، بگذار بگویم اگر چه جسم پاکت که مجروح زخمها و طعنه‌ها بود، در

جنايات را در غزه و لبنان رقم زد، پس از سقوط دمشق نیز در دسامبر ۲۰۲۴ به بلندی‌های جولان حمله کرد. خلق بحران و جنگ‌افروزی مداوم، گریز نتانياهو برای به تعویق انداختن محاکمه و جست‌وجوی راه‌حلی دائمی برای ادامه حیات سیاسی بود؛ با این وجود لبنان، غزه و سوریه جو امنیتی لازم برای فرار از محاکمه را ایجاد نمی‌کردند؛ از این‌رو نتانياهو از اواخر ۲۰۲۴ برای نخستین‌بار از زمان آغاز محاکمه در سال ۲۰۲۰ به دادگاه رفت.

جنگ ابدی

۲۳ خرداد ۱۴۰۴، ماهی که نتانياهو بهانه لازم برای عدم حضور در دادگاه را نداشت. در میانه مذاکرات غیر مستقیم ایران و آمریکا رژیم صهیونی دست به ماجراجویی زد. با پاسخ کوبنده ایران در هفته اول تیرماه پس از ۱۲ روز جنگ، نتانياهو به بهانه جنگ و بیماری از دادگاه ریخت و آتش‌بس برقرار شد اما محاکمه با برجا ماند. اگر چه شروع جنگ رمضان در ۹ اسفند ماه ۱۴۰۴ ریشه در مجموعه‌ای از عوامل داشت؛ اما گریز از محاکمه در نبرد با بخش اعظم جبهه مقاومت به واسطه درگیری با ایران امکان بیشتری داشت و همین هم شد. «اوری میسگاو»، تحلیلگر سیاسی صهیونیست طی مقاله‌ای در روزنامه عبری «هاآرتص» در خصوص پایان جنگ نوشت: «پروژه شکست ایران به شکست نتانياهو انجامید» در حالی که جنگ بخشی از پروژه بقا و فرار از محاکمه بود لذا نتیجه آن برای نتانياهو چندان اهمیت نداشت؛ «یانیر لاپید»، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل معتقد است که نتانياهو با وعده دروغین سقوط نظام، آمریکا را به جنگ ترغیب کرده و ترامپ فریب خورده است. جنگ‌افروزی‌های مکرر نتانياهو تا حدی با منطق سیاسی-نظامی فاصله داشت که روزنامه «تایمز اسرائیل» نوشت: «دکترین امنیتی نتانياهو فاجعه‌بار بود» غافل از اینکه اعمال نتانياهو مبتنی بر «تر فرار از محاکمه و حفظ حیات سیاسی» بوده دکترین امنیت؛ علی‌احال، چند روز پیش، نتانياهو پس از ۹۸ جلسه دادگاه طی ۱۷ ماه به ارانه شهادت خود در پرونده‌های فساد پایان داد با این وجود بهانه برای جنگ و جنگ‌افروزی در حزب لیکود و ذهن نتانياهو فراوان است.

عبور از مانع قضایی

پس از شروع محاکمات نتانياهو، افکار عمومی و محاکم قضایی خواهان توقف فعالیت سیاسی وی شدند؛ نتانياهو در پرونده «۴۰۰۰» به کمک‌های تبعیض‌آمیز به ارزش ۷/۸ میلیارد شکل (حدود ۵۰۰ میلیون دلار) به «شانول الویج»، مدیر شرکت مخابراتی «بیزک» متهم شد؛ او در ازای این مبلغ خواستار پوشش مثبت از خانواده‌اش در وبگاه‌های خبری تحت کنترل بیزک بود. در پرونده «۲۰۰۰»، نتانياهو مجدداً متهم به رشوه شد؛ او با «آرون موزز»، صاحب روزنامه «ایدیووت آحارانوت» مذاکره و توافق کرد که به ازای پوشش مثبت اخبار مرتبط با خود، رشد روزنامه‌های رقیب از جمله «اسرائیل هیوم» را کند نماید. دیگر پرونده نتانياهو با عنوان «۱۰۰۰» مربوط به دریافت هدایایی به ارزش ۷۰۰ هزار شکل (۲۱۰ هزار دلار) از «آرون میلچان»، تهیه‌کننده هالیوودی و همچنین «جیمز پکر»، میلیارد استرالیایی بود.

تلاش برای لغو حکم

با حضور نتانياهو در «بیت‌آگیون» (دفتر نخست‌وزیر)، تلاش برای کاهش قدرت قوه قضائیه شروع شد؛ «یاریو لوین»، قائم‌مقام نخست‌وزیر و وزیر دادگستری؛ «سیمچا روتمن»، رئیس کمیته قانون اساسی و عدالت «کنست» (پارلمان رژیم) در سال ۲۰۲۳ مامور به محدود کردن نفوذ دادگاه و دیوان عالی شدند. آنها قصد داشتند تا اختیار محاکم قضایی را از طریق رأی نمایندگان در کنست بی‌اعتبار و ساقط کنند و سازوکار صدور حکم را درگون نمایند؛ اما این اختیار به پارلمان داده نشد و تلاش‌های نتانياهو برای دور زدن قانون، اعتراض گسترده در «تل‌آویو»، «حيفا»، «اورشلیم» و سایر نقاط اشغالی را به همراه داشت. این اعتراضات از ۷ ژانویه ۲۰۲۳ شروع شد و تا ۱۲ اکتبر، یعنی حدود ۹ ماه به دراز کشید اما به پس از عملیات «طوفان الاقصی» در ۷ اکتبر؛ نتانياهو دستاویز لازم برای سرکوب منتقدین، خلوت کردن معابر از معترضین و تعویق محاکمات به بهانه‌های امنیتی را یافت. جنگ و فضای امنیتی بهترین حربه برای عدم حضور در دادگاه بود؛ همچنین فرصت لازم برای خلق قهرمان در این شرایط مهیا می‌شد؛ با همین اندیشه نتانياهو ساخت‌ترین

جنگ افروزی برای فرار از محاکمه

تنگنای نتانياهو

بهنام علی‌پور

خبرنگار

نتانياهو در حالی خود را معمار «امنیت» و «ثبات» رژیم صهیونیستی معرفی می‌کند که هم‌زمان در تنگنای قضایی، سیاسی و امنیتی گرفتار است؛ او برای گریز از فشار داخلی، مهار تنش سیاسی و کنترل اعتراض‌ها در سال ۲۰۲۳، دامنه بحران را به خارج از مرزها کشاند و جنگ را به ابزار مدیریت و حفظ بقای سیاسی تبدیل کرد تاکنون توجه از پرونده فساد به تهدید امنیتی معطوف شود و استمرار حضورش در قدرت با شعار و نمایش برقراری امنیت، توجه و معنا پیدا کند. «امنیت»، «بقا» و «قدرت» واژه‌هایی است که بنیامین نتانياهو، نخست‌وزیر فعلی رژیم صهیونیستی پشت آنها پنهان می‌شود و تا دوران نخست‌وزیری خود و قدرت‌گیری حزب «لیکود» را برای صهیونیست‌ها تنبیه کند اما دستاورد او خلاف تعریف و تشریحی است که ارائه می‌دهد؛ جنگ ضامن بقا و حیات سیاسی حزب لیکود و جنگ‌افروزی مجرای تنفس نتانياهو پس از اتهام فساد است. نوامبر ۲۰۱۹، «اویحای مندللیلیت»، مشاور قضایی رژیم صهیونیستی با صدور کیفرخواست علیه نتانياهو، نخست‌وزیر وقت را به چالش کشید و برای اولین بار نخست‌وزیر اسرائیل را در زمان تصدی به دادگاه فرخواند؛ «چای لوی»، سخنگوی حزب لیکود در واکنش به مندللیلیت گفت: «او یک قاضی متوهم است»؛ اما شانناژ سیاسی اعضای حزب لیکود راه به جایی نبرد و با شروع محاکمات قضایی از سال ۲۰۲۰ و پوشش رسانه‌ای آن ذیل اتهام «ارشوه»، «تقلب» و «خیانت در امانت»، اعتبار نتانياهو و حزب لیکود تنزل یافت به شکلی که برای ماندن در قدرت چاره‌ای جز ائتلاف با «بنی‌گانتس» از حزب «آبی و سفید» نداشت.

علی ودایع، در گفت و گو با صبح صادق مطرح کرد

صلح مسلح بازدارندگی نهایی

اما این ضرورت نافی قدرت و بازوی دیپلماسی نیست؛ اتفاقاً در فضای آتارشی حاکم بر روابط بین‌الملل، سیاست‌خارجی ایران می‌تواند با انکار بر یک رئالیسم ایرانی به سمت تأمین منافع ملی حرکت کند.

این تصور در سطح عموم وجود دارد که ایران وارد یک چرخه فرساینده شده: جنگ، آتش‌بس، مذاکره. حال به نظر شما ایران می‌تواند از این چرخه تحمیلی بگریزد؟

جنگ در وضعیتی رخ داد که ایران در پارادایم نه‌جنگ-نه‌صلح فوری قرار داشت و صبر ایران در این شرایط به خوبی بازتاب خود را در مفاد تفاهم‌نامه نشان داده است. حال در مورد سؤال پرسیده شده باید گفت هرچه قدر که ایران بتواند موازنه و حشمت را به سمت خود بگرداند، برای بالا بردن بازدارندگی موفق‌تر خواهد بود. ضمن آنکه باید اشاره داشت اعضای تفاهم‌نامه کاملاً در شرایط سوء‌رخن رخ داده است، به تعبیری هیچ‌کس خوش‌بینانه به تحقق مفاد بندهای این یادداشت و آنچه که بعد از ۶۰ روز اتفاق خواهد افتاد، نگاه نمی‌کند. الان برای ایران موضوع بازدارندگی نهایی مطرح است؛ در این میان که در وضعیت فضای بین‌الملل مسئله منع اشاعه اقدامات مسلحانه هسته‌ای در ضعیف‌ترین حالت خود قرار دارد، رسیدن به بازدارندگی هسته‌ای می‌تواند یک اقدام ویژه محسوب شود.

اساساً آنان به سمت پیشنهاد آتش‌بس رفتند نه آنکه تهران درخواست ترک آتش کند! این نکته‌ای است که شاید آنطور که باید مورد توجه قرار نگرفت. در روزهای پایانی جنگ ۴۰ روزه به قدری هزینه‌ها برای طرف‌های مقابل بالا رفت که مجبور شد که به آتش‌بس با ایرانی‌ها تن دهد.

در دوره آتش‌بس، طرفین سعی کردند که موازنه وحشمت را پیش بگیرند، به تعبیری ادبیات‌های اتخاذ شده از سوی مقامات ایران و آمریکا و استفاده از تبادل آتش تاکتیکی همگی برای آن بود که موازنه وحشمت را در فرایند نزاع تثبیت کنند. حال آنچه که در این بازه زمانی، یعنی از آتش‌بس موقت تا توافق رخ داد آن بود که دستاوردهای استراتژیک و ژئوپولیتیک ایران تثبیت گشت. ایران علی‌رغم آنکه تعداد قابل توجهی از فرماندهان خود را از دست داد، یک اتفاق ویژه را رقم زد. ایران از پارادایم دفاعی موزائیکی به سمت پارادایم آفندی حرکت کرد، نمونه بارز آن را می‌توان در «عملیات نصر» که در پاسخ به تجاوزهای اسرائیل در جنوب لبنان رخ داد، مشاهده کرد.

حال سؤال مهم آن است: جنگ ر اقرار است تا چه زمانی ادامه دهیم؟ یکی از انتقادات جدی در داخل آمریکا به ترامپ این است که رئیس‌جمهور آمریکا، برای خروج خود از جنگ روزنه و مجرای را تعبیه نکرده بود، این در حالی است که ایرانی‌ها به خوبی می‌دانستند که از فردای جنگ باید چه اقدامی انجام دهند. قدرت نظامی و بهره‌بردن از توان جنگی یک ضرورت و بایسته است،

محمد مهدی اسکندری

خبرنگار

اعضای یادداشت تفاهم بین تهران و واشنگتن، بعد از ۴۰ روز جنگ و قریب به ۷۰ روز کش‌مکش‌های سیاسی و نظامی توسط دولت‌های ایران و آمریکا یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ روابط این دو سرزمین است. مسئله نفس تفاهم و سوق جمهوری اسلامی به برجسته‌سازی دیپلماسی در برابر آمریکایی‌ها و همچنین نظر رهبری که طی بیانیه‌ای در این مورد منتشر گردید سؤالات و ابهاماتی را برای بسیاری به‌وجود آورده است. از این منظر تصمیم بر آن شد که با علی ودایع کارشناس مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو بنشینیم و از درچه روابط بین‌الملل و امنیت بین‌الملل این واقعه را تحلیل نماییم. در ادامه متن مصاحبه را از نظر می‌گذرانید.

به نظر شما حرکت جمهوری اسلامی به سمت توافق صرفاً اتخاذ یک سیاست در کنار سایر ابزارها بود، یا اساساً نظام سیاسی ایران چاره‌ای جز حرکت به این سمت نداشت؟

برای پاسخ به این سؤال اساساً محتاج آن هستیم که فرایند واقع شده در جنگ ۴۰ روزه را از نظر بگذرانیم. جمهوری اسلامی، در طول جنگ با آمریکا و اسرائیل توانست مؤلفه‌های بنیادین قدرت خود را به تثبیت برساند و در کام بعدی منافع ملی را گسترش دهد. به تعبیری شرایطی برای طرف مقابل به وجود آمد که

دولتمردان ساکن کاخ سفید داده بودند که ایران را وارد معادله بقا نباید کرد، چون در این میان ایران می‌توان دست به اقداماتی بزند که خوشایند آمریکا و غرب نباشد و ساخت سلاح هسته‌ای یکی از آنهاست. اگر مبتنی بر ساختار نظریه «هرمان کان» بخواهیم به سرح پلکانی تنش نظر کنیم؛ در روزهای پایانی جنگ ۴۰ روزه به «ضربه نهایی» نزدیک شدیم؛ ضربه نهایی و البته جنگ منطقه‌ای که از روز اول نبرد در دستور کار ایران قرار گرفت، یکی از آن عواملی بود که تحلیل و معادلات دشمن را برهم زد. معادلات سیاسی و نظامی پیش‌رو باید به شکلی باشد که حساسی هزینه جنگ و نبرد مجدد با ایرانی‌ها را برای آمریکا و طرف دیگر بالا ببرد تا به راحتی هوس حمله به ما را نکنند. از این منظر، ما باید به سمت «صلح مسلح» حرکت کنیم.

به نظر شما در وضعیت حال حاضر می‌توان به آینده این تفاهم‌نامه امیدوار بود؟ ضمن آنکه اسرائیل با حملات گسترده خود به جنوب لبنان در حال نقض کردن مهم‌ترین بند این یادداشت، که توقف سراسری جنگ بود؛ هست.

در این‌باره نکاتی را باید مطرح نمود. اول آنکه رهبری معظم، حمایت خود از تفاهم با آمریکایی‌ها را منوط و مشروط به نتیجه کرده‌اند، به تعبیری مذاکراتی که از سوی شورای عالی امنیت ملی و دولت در حال انجام است، مشروط به نتایجی است که از سوی سیستم مطرح شده‌اند. دوم، این که این تفاهم به نتیجه می‌رسد یا خیر، موضوعی است که در آینده مشخص خواهد شد، اما یک موضوع را می‌توان به وضوح اعلام کرد و آن نیاز فوری ترامپ به یک توافق با ایرانی‌ها، به عنوان یک دشمن تاریخی است. این اقدام از یک سوی برای جناح سیاسی ترامپ یک فرصت مناسب در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای است و از سوی دیگر تکمیل‌کننده پاس‌گل



او به جی‌دی‌ونس برای انتخابات آینده ریاست جمهوری به حساب می‌آید. سوم، رژیم صهیونیستی از درون دچار تعارض رفتاری است. مانعی توانیم از اختلافات سیاسی گسترده در رژیم سده بگذریم، اختلافاتی که پیش از ۱۷ اکتبر در آستانه یک شورش بود. از سوی دیگر با وقوع آتش‌بس با ایران، شاهد فعال شدن مجدد گسل‌های سیاسی و اجتماعی در سرزمین‌های اشغالی هستیم و در این میان کابینه جنگ‌طلب اسرائیل قصد دارد فضای تنش را زنده نگه دارد. ترامپ و یاران او در کابینه دولت گرچه خود را پایبند به منافع اسرائیل می‌دانند اما ادبیات اخیر ترامپ و جی‌دی‌ونس در قبال سیاست‌های تل‌آویو و از سوی دیگر حمله رسانه‌های عبری زبان به ریاست جمهوری آمریکا و معاون او حاکی از یک گسل تاریخی بی‌سابقه بین واشنگتن و تل‌آویو است.

۲

نگاه

شماره ۱۲۴۴ | دوشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۵

مصاحبت

تربیت مبارز مسلمان

برشی از زندگینامه و خاطرات حکیم شهید انقلاب اسلامی-۱۳

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

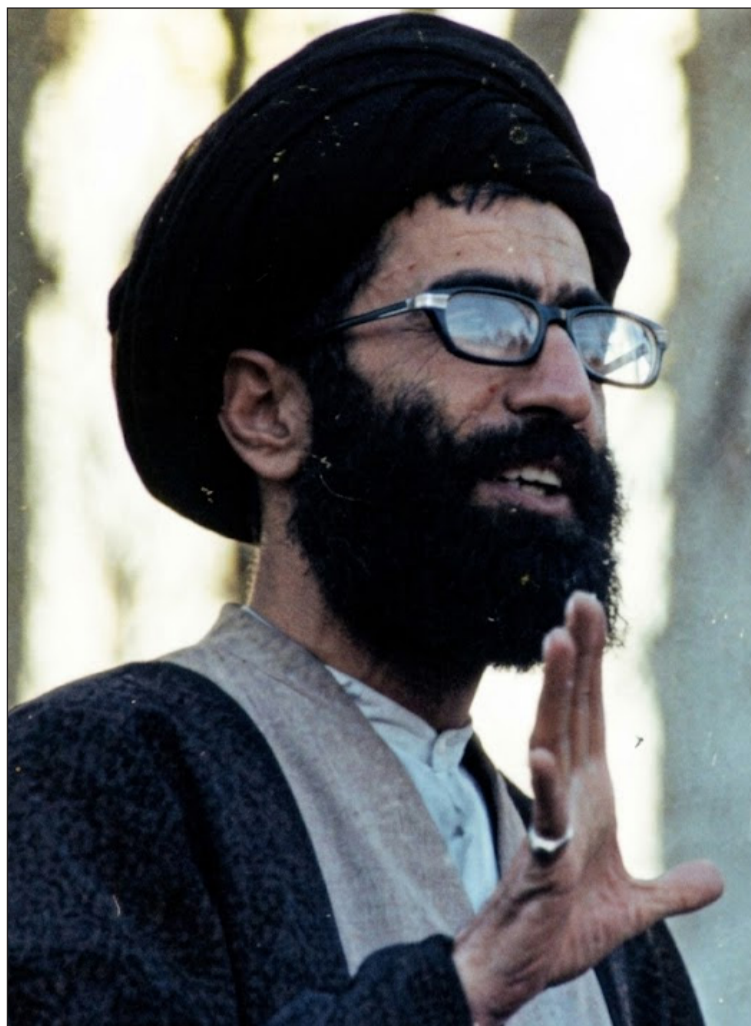
با نگاهی به تاریخ مبارزات سال‌های پیش از انقلاب، به برخی مساجد؛ تکایا و هیئات مذهبی بر می‌خوریم که بستر لازم برای طرح این دیدگاه‌ها را فراهم می‌کردند. مساجدی مانند الجواد، هدایت و همت تجریش و در کنار آنها حسینیه ارشاد و کانون علوی، مهمترین تبلورگاه‌های اندیشه اسلامی زنده و انقلابی در شهر تهران بودند که عمدتاً با هدایت روحانیت مبارز مدیریت می‌شدند. آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۴۸ به منظور تبیین مباحث تأثیرگذار در روند مبارزه به ایراد سخنرانی‌هایی در برخی از این مراکز فعال سیاسی-اسلامی تهران از جمله حسینیه ارشاد و مسجد الجواد تهران دعوت شد. سخنرانی‌های وی در حسینیه ارشاد که در اواخر سال ۱۳۴۸ و به دنبال دعوت آیت‌الله مرتضی مطهری از وی صورت گرفت و نیز سخنرانی در مسجد الجواد تهران به دعوت انجمن اسلامی مهندسیین، تأثیر زیادی در روشنگری نسل جوان، به ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان داشت.

بعد از تعطیلی حسینیه ارشاد (آبان ۱۳۵۱)، مسجد جاوید فعالیتش را آغاز کرد. آیت‌الله محمد مفتاح در آن مسجد نماز می‌خواند و عده‌ای از بچه مسلمان‌ها، آنجا جمع می‌شدند. مسجد جاوید سخنران‌های متعددی داشت. با آزادی دکتر شریعتی از زندان، ایشان جلساتی داشتند، البته همچون سابق نبود که در حسینیه

ارشاد جلسات رسمی و علنی باشد، بلکه جلساتی بود، محدود و تقریباً نیمه علنی و نیمه مخفی. یعنی حدود ۳۰-۴۰ نفر شرکت می‌کردند و اغلب نیز در خانه افراد مختلف تشکیل می‌شد. سخنرانان این جلسات نیز علاوه بر دکتر شریعتی، شهید مطهری، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، مرحوم علی‌آقای حجتی کرمانی و فخرالدین حجازی بودند. در واقع اینان سخنران اصلی به حساب می‌آمدند.

در این میان، برخی هیئات مذهبی هم بودند که در کنار عبادت‌های مذهبی، مجالس برای طرح مباحث انقلابی ناظر به زندگی مردم و فضای اجتماعی کشور فراهم می‌کردند. یکی از مهم‌ترین این هیئت‌ها در تهران، هیئت انصارالحسین(ع) بود. هیئت انصار را، جمعی از بازاریان علاقه‌مند به امام(ره) تأسیس کرده بودند. این هیئت، عموماً از سخنرانان سیاسی و انقلابی دعوت می‌کرد که در حلقه یاران امام جای می‌گرفتند که در نبود او، شعله مبارزه را در ایران روشن نگه می‌داشتند.

در این میان، آیت‌الله خامنه‌ای هم که یکی از عاظم و عالمان مبارز مشهد بود، برای سخنرانی در ایام محرم به این هیئت دعوت می‌شد. وی مجموعاً در محرم سال‌های ۱۳۴۸، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۱، در این هیئت به سخنرانی پرداخت. سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ مفصل‌تر بود که تا ایام صفر هم به درازا می‌کشید اما سخنرانی در محرم سال ۱۳۵۱، تنها به دم‌دوازده منبر محدود شد. به باور آیت‌الله خامنه‌ای، هیئت انصار جایگاه مهمی



در مبارزات تهران داشت و شاید در دوران اختناق، یکی از تنها جلسات و امیدگاه‌های نیروهای مبارز متفکر در پایتخت به شمار می‌آمد. ایشان در بیان فضای عمومی حاکم بر هیئت و شرکت‌کنندگان آن هم به یاد می‌آورند که اغلب، علایق مبارزاتی داشتند و از طیف‌های مختلفی مثل بازاری، جوان، دانشجو و حتی هواداران جبهه ملی به این کانون مبارزه در لوی پرچم اهل بیت(ع) می‌آمدند. جلسات هیئت که به صورت دوره‌ای و هر بار در خانه یکی از افراد علاقه‌مند برگزار می‌شد، به دلیل حساسیت‌های سیاسی، اعلام عمومی نمی‌شده است و افراد مطلع، به صورت حضوری، دیگران را باخبر می‌کردند. البته گزارش‌های متعدد ساواک از جلسات هیئت هم نشان می‌دهد که خبرچین‌های آن، بر برخی جلسات هیئت اشراف داشته‌اند.

مجموعه گفتارهایی که با عنوان «همزمان حسین(ع)» منتشر شده است، مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای در هیئت انصارالحسین(ع) در سال ۱۳۵۱ است. در این سال، آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به اینکه پرونده‌ای مفتوح در دادگاه نظامی داشتند و با قید «الترام به خارج نشدن از حوزه قضایی مشهد» آزاد شده بودند، این محدودیت را زیر پا گذاشتند و بی‌باکانه به تهران آمدند. یکی از حاضرین در جلسه در مورد برکات این سخنرانی‌ها می‌گوید: «بیان کردن سیره مبارزاتی انمه(علیهم السلام) در دوران اختناق باعث روشنگری می‌شد. فرد را مقاوم می‌کرد. خدا می‌داند در آن دوران چقدر به جوانان ما فشار می‌آوردند. اینها باعث می‌شد که در جهت ولایت الهی پیش برویم. ما را واکنش می‌کرد.»

دهلیز

علم در خدمت استعمار

بازخوانی تاریخ از افق شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای



حکیم شهید انقلاب اسلامی در طول بیش از سه دهه نخبگان حوزوی و دانشگاهی و همه متولیان حوزه علم و فناوری را دعوت کرد تا با جهادی علمی و راه‌اندازی جنبشی نرم‌افزاری، برای رسیدن به قله‌های علم و دانش جهانی تلاش نمایند. این نگاه عمیق به جایگاه علم برخاسته از اشرافی بود که ایشان به تاریخ جهان داشتند، ایشان در سال ۱۳۹۴ در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی اینگونه راهنمایی کردند: «اگر چنانچه علم بود و جهت غلط، همین خواهد شد که امروز در دنیای عالم، دنیای اهل تحقیق و پیشرفت علمی، امروز و دیروز در آنها مشاهده شده. خب شما ملاحظه کنید، استعمار بلائی بزرگی بود که بر سر کشورهای منطقه‌ی آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین فرود آمد؛ استعمار چیز عجیبی بود. این استعمار را چه چیزی به وجود آورد؟ علم.

نهر و است. ببینید بر هند چه گذشته؛ البته فقط آن کتاب نیست، خیلی در این زمینه [کتاب هست]. همین برمه، همین کشوری که امروز اسمش میانمار [است]؛ اینجا مرکز ثروت است. یک انگلیسی با داشتن یک تفنگ و یک اسلحه کمری، ده‌ها نفر را اسیر خودش می‌کرد که برای او کار کنند و جرت نمی‌کردند نفس بکشند.

عرض کردم، متأسفانه تاریخ معاصر کمتر مورد توجه جامعه کتاب‌خوان ما قرار می‌گیرد؛ بخوانید ببینید در الجزایر و تونس و مانند اینها به‌وسیله همین فرانسه ظاهر‌الصلاح منظم مرتب مؤدب چه گذشت و استعمار چه کرد با اینها. خب این استعمار را چه چیزی به‌وجود آورد؟ علم»

حافظه

تمدن غارت!

مروری بر حضور استعمارگران در سرزمین سرخپوستان



تاریخ استعمار گواتمالا توسط اسپانیا، نه تنها نمونه بارزی از سلطه‌جویی نظامی، بلکه روایتی تلخ از غارت نظام‌مند هویت، تمدن و سرمایه‌های انسانی و طبیعی یک سرزمین کهن است. گواتمالا که پیوندی دیرینه با مکزیک داشت و پیش از تقسیمات استعماری، سرزمینی واحد به‌شمار می‌آمد، بلافاصله پس از سقوط مکزیک به دست فاتحان اسپانیایی، هدف هجوم آنان قرار گرفت. در سال ۱۵۲۴ میلادی، نیروهای اسپانیایی به فرماندهی «پدرو د آلواردو» به این سرزمین تاختند و سرخپوستان گواتمالا، به‌ویژه قبایل متحد تحت رهبری قبیله کیچه، مقاومتی سرسختانه از خود نشان دادند، اما اسپانیایی‌ها در پاسخ، دست به کشتاری وحشیانه زدند که در تاریخ منطقه کم‌نظیر است. به روایت «گالونو لئون پورتیا»، مورخ نامدار، پدرو د آلواردو و سربازانش به گواتمالا حمله‌ور شدند و شمار سرخپوستانی که به دست آنان کشته شد، چنان بود که سیلابی از خون به راه افتاد و رنگ روز از شدت خونریزی سرخ‌شد؛ پیش از نبرد سرنوشت‌ساز، هنگامی که سرخپوستان زیر شکنجه بودند، از اسپانیایی‌ها خواستند که آزارشان را متوقف کنند و قول دادند که الماس، طلا، نقره و زمرد برایشان بیاورند و سرانجام یا تسلیم شدند یا به زیر سلطه درآمدند. اما خونریزی با پیروزی نظامی اسپانیا پایان نیافت؛

۳ تاریخ

شماره ۱۲۴۴ | دوشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۵

صداقت

تقویم انقلاب

اصلاحات آمریکایی در بن‌بست

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران-۱۱

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



آمریکا از دولت ایران اجرای برنامه‌هایش را خواستار بود، اوایل سال ۱۳۴۰ علی‌امینی نخست‌وزیر بود اعلام کرد در پی اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی هستیم برای این هدف مجلس شورا را منحل کرد و از طرفی اختیارات بیشتری از شاه درخواست کرد امینی معتقد بود که شاه فقط باید سلطنت کند و این موضع برای محمدرضا شاه خیلی سنگین بود و نمی‌توانست بپذیرد و برایش قابل تحمل نبود و حاکمیت دچار چندی چالش شد که عبارتند از:

۱- اجرای قانون اصلاحات ارضی منافع بسیاری را به خطر انداخت و با به عبارتی دچار تضاد منافع شدند به خصوص کسانی که از مقامات کشور محسوب می‌شدند، در رأس آن خانواده محمدرضا شاه و اعموان و انصارش بودند. به دلیل اینکه بزرگ‌ترین و بهترین زمین‌های کشاورزی ایران در اختیار این خاندان بود.

۲- محمدرضا شاه در فروردین ۱۳۴۱ به آمریکا سفر کرد تا مذاکراتی با مسئولان آمریکایی داشته باشند. او در این سفر به آنها گفت: «آمریکا قصد دارد در ایران تحولی (اصلاحات ارضی) به وجود بیاورد. من حاضر هستم بدون وجود امینی به هر ترتیبی آن را اجرا کنم به این شرط که مرکز ثقل دولت به جای اینکه در نخست‌وزیری باشد، به دربار منتقل شود. آمریکا هم با قول و قرارهایی از شاه گرفت با پیشنهادش موافقت کرد.

۳- بعد از بازگشت محمدرضا شاه از آمریکا به ایران با برکناری علی‌امینی از نخست‌وزیری و با انتصاب علم به عنوان نخست‌وزیر، خودش سر نخ تمامی تحولات سیاسی و دولتی در دست شاه و دارو دست‌هاش بود.

۴- همینکه «علم» نخست‌وزیر شد، در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۴۱ دولت او اعلام کرد لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در هیئت دولت تصویب شد، با وجود اینکه «مجلسی شورا» وجود نداشت آن مصوبه دولت را به منزله قانون تلقی شد. این لایحه مسائل مختلفی را در برداشت، از جمله در یکی از مواد لایحه مزبور شرط اسلام برای تصدی بسیاری از پست‌های مهم مملکتی، صراحتاً از قانون مدنی کشور حذف شد.

۵- شاه در ۱۹ دی‌ماه همان سال ۱۳۴۱ در اجتماعی برای اولین بار «اصول انقلاب سفید» را اعلام کرد که یکی از آنها اصلی اصلاحات ارضی بود، که وقتی در دستور اجرا قرار گرفت، جنایاتی که به نام اصلاحات ارضی بر اقتصاد و ترکیب اجتماعی و فرهنگی این مملکت وارد شد بسیار سنگین بود. کسانی که در ایران نبودند و یا بافت ایران آشنایی نداشتند برای اداره آن برنامه تنظیم کردند و به زور خواستند به جامعه تحمیل کنند طبیعی است که با واکنش مردم روبرو می‌شوند.

یادداشت

تولید ملی، ستون تفکرات اقتصادی رهبر شهید



سید جواد حسینی کیا
عضو کمیسیون صنایع و معادن
مجلس

در حالی رهبر شهیدمان را بر روی دست ملت مؤمن و انقلابی تشییع می‌کنیم که هنوز مطالبات ایشان از مردم و مسئولان در بسیاری از حوزه‌ها بخصوص در بخش اقتصادی که با زندگی و معیشت مردم مرتبط است را در ذهن داریم؛ چرا که ایشان در بیش از یک دهه گذشته شعارهایی با مضامین «رشد و جهش» تولید و ناظر به تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را برای عبور از مشکلات امروز کشور بارها بیان کردند. بی‌تردید می‌توان گفت: رهبر شهیدمان توجه ویژه‌ای به رفع مشکلات اقتصادی کشور، رشد تولید و عبور از سفته‌بازی و توزیع رانت داشتند. ایشان با تأکید مکرر بر رشد و تقویت تولید خواهان بهبود وضعیت اقتصاد کشور بودند چرا که رشد و جهش تولید آغازی بر خروج از بحران بیکاری جوانان است. بحران بیکاری جامعه با رشد تولید حل می‌شود و به تبع آن شاهد افزایش درآمد مردم و بهبود رفاه خانوارها خواهیم بود. به این دلیل است که رهبر شهید انقلاب در طول حیات مبارکشان هر سال در آغازین لحظات سال نو بر این موضوع تأکید داشتند که باید از همه ظرفیت‌های کشور برای رشد و توسعه تولید استفاده کرد و در این موضوع همه دستگاه‌های اثرگذار و مجری را به تحقق برنامه‌های اقتصادی تولید محور دعوت می‌کردند.

امام شهید انقلاب اسلامی، اصالت ویژه‌ای برای رشد و تقویت تولید قائل بودند، تولیدی با کیفیت که قابلیت رقابتی داشته باشد و نه تنها در داخل کشور بلکه با عرضه به خارج از کشور و صادرات بتواند تاب‌آوری اقتصادی و درآمدزایی ارزی کشور را نیز تضمین کند.

در طول سال‌های گذشته ایشان بارها مسئولان را به این موضوع فراخواندند بخصوص در حوزه بانکی تأکید ویژه‌ای بر این موضوع داشتند که باید نظام بانکی کشور در کنار سایر دستگاه‌ها حامی تولید باشد و نقدینگی موجود در کشور به سمتی هدایت شود که ماحصل آن در قالب تولید و درآمدزایی و توزیع عادلانه ثروت به آحاد مختلف مردم ایران تعلق بگیرد اما متأسفانه به دلیل ضعف‌های موجود در حوزه اجرایی، بسیاری از این موارد و خواسته‌ها عملیاتی نشد.

کاهش حاشیه سود تولید و حضور سرمایه‌ها در بازارهای دلالتی مانع از آن شد که تولید در جای خود بنشیند و شاهد رشد تولید بنا به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی که در ایران بزرگ وجود دارد باشیم.

با اینکه رهبر شهید انقلاب بارها ارجع به این موضوعات رهنمون مسئولان شدند اما متأسفانه نتوانستیم آنگونه که ایشان خواستند از تولید حمایتی جدی به عمل بیاوریم و بخش قابل توجهی از مشکلات جامعه که بیشتر در حوزه اقتصادی نمود دارد را رفع کنیم. امیدواریم آنگونه که سال جاری نیز مزین به شعار رشد تولید و تقویت نگاه‌ها به سمت جریان تولید است این شعار در دستور کار ویژه دولت و مجلس قرار بگیرد.

حجت‌الله فرزانی در گفت‌وگو با صبح صادق

سیاست‌های انقباضی راهگشا است



ساحل عباسی

خبرنگار

کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: این موضوع جای بحث دارد که در کنار توجه به کاهش رشد نقدینگی و تلاش برای مهار تورم، کدام سیاست‌های اقتصادی باید در دستور کار دولت و مجلس قرار بگیرند تا بخش مولد و فعالیت‌های تولیدی، نقدینگی مورد نیاز خود را کسب کنند و شبکه تولید کشور در تنگنای عدم تأمین مالی قرار نگیرد.

«حجت‌الله فرزانی»، کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «صبح صادق» در پاسخ به این پرسش که علی‌رغم اعمال سیاست‌های انقباضی شاهد کاهش نرخ تورم طی سال‌های گذشته نبوده‌ایم، پس اعمال این سیاست‌ها از سوی بانک مرکزی با چه هدفی صورت می‌گیرد گفت: بانک مرکزی با هدف کاهش نرخ تورم در ادوار و مدیریت‌های مختلف تلاش کرده تا در این حوزه به نتیجه دلخواه خود برسد اما بنا به دلایل مختلفی متأسفانه این مهم محقق نشده و نتوانسته رشد نقدینگی و رشد تورم را کنترل کند حتی اگر دولت و بانک مرکزی در حوزه سیاست‌های پولی و بودجه‌ای خود روش‌های انقباضی را اجرا کرده باشند این مهم تاکنون میسر نشده است.

وی در این باره خاطر نشان کرد: لازم به تأکید است با اینکه انتقاداتی به عدم تأثیرگذاری بسیار بالای اجرای چندین باره سیاست‌های انقباضی از سوی بانک مرکزی صورت می‌گیرد اما ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اگر بانک مرکزی سیاست‌های انقباضی را در دستور کار قرار نمی‌داد و کنترل رشد مقصداری ترازنامه که راهکار کنترل رشد نقدینگی است را اجرا نمی‌کرد در عرصه اقتصاد ایران چه اتفاقاتی رخ می‌داد؟ لذا اگر چه سیاست‌های انقباضی جلوی رشد تورم و نقدینگی را نگرفته اما چه بسا اگر همین سیاست‌ها نیز اجرا نمی‌شد شرایط بسیار بدتر بود.

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: به عنوان مثال، اگر بانک مرکزی مسیر کنترل نقدینگی از مسیر خلق پول بانک‌ها را اجرا نمی‌کرد اینک چه ارقامی برای رشد

نقدینگی باید متصور می‌شدیم و این رقم به چه میزانی رسیده بود؟

حجت‌الله فرزانی خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه مسیر رشد نقدینگی شکل و شمایل واقعی و نگران‌کننده خود را از سال ۱۴۰۰ نشان داد و این روند سرعت شتابانی به خود گرفت بی‌تردید کنترل رشد نقدینگی بسیار حائز اهمیت بود از این رو بانک مرکزی چاره‌ای جز اجرای سیاست‌های انقباضی و مانع‌گذاری بر سر راه رشد نقدینگی ندارد.

فرزانی با اشاره به ارقام کنترل رشد نقدینگی که طی سال‌های گذشته به ثبت رسیده و اثرات آن بر نرخ تورم، گفت: رشد نقدینگی به واسطه اعمال سیاست‌های بانک مرکزی در سال‌های گذشته رقم‌های قابل توجهی به خود دیده است، ارقام متفاوتی که از عدد ۴۸ درصد به صرف اجرای سیاست کنترل رشد ترازنامه طی دو سال به ۲۷ درصد و سپس به رقم ۲۵ درصد رسید که نشان‌دهنده موفقیت‌آمیز بودن این سیاست بود.

وی در این باره گفت: قطع به یقین سیاست‌های به کار گرفته شده بانک مرکزی در این زمینه توانست در زمینه جلوگیری از خلق پول توسط شبکه بانکی کشور مؤثر واقع شود. جلوگیری از خلق پول و اجرای سیاست‌های انقباضی که موجب افزایش نرخ سپرده قانونی شد؛ به تبع این موضوع، رشد سپرده قانونی باعث تنگنای اعتباری در بانک‌ها شد به نحوی که اعطای تسهیلات به بخش تولید به شدت کاهش یافت لذا این موضوع به یکی از نگرانی‌های بخش تولید تبدیل شد و از جمله انتقاداتی بود که صاحبان بسیاری از کسب‌وکارها به بانک مرکزی و سیاست‌هایش دارند.

فرزانی معتقد است: به نظر می‌رسد افزایش نرخ تورم و رشد نقدینگی سرگردان در دست مردم، بانک مرکزی را ناچار به اجرای سیاست‌های انقباضی کرده است چرا که بانک مرکزی باید بانک‌هایی را که خلق پول بی‌ضابطه دارند متوقف کند و مانع خلق پول توسط این بانک‌ها شود؛ چرا که کنترل رشد مقصداری ترازنامه باعث رشد دارایی‌ها و بدهی‌ها می‌شود در حالی که اگر رقابت در بحث سپرده‌پذیری در بانک‌ها از حد مشخص شده‌ای بیشتر نشود، نرخ‌های جذب سپرده در رقابت ناسالم افزایش نیابد تا هزینه پول نرسد بانک‌ها افزایش و موجب تشدید ناترازی بانک‌ها نشود.

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی اظهار داشت: از این بابت می‌توان گفت ادامه سیاست کنترل رشد مقصداری ترازنامه با اینکه مانعی بزرگ بر سر راه اعطای تسهیلات به بخش‌های مولد است اما از این جهت که مانعی بسیار بزرگ در برابر خلق پول شبکه بانکی کشور قرار می‌دهد حائز اهمیت است.

فرزانی تصریح کرد: اصولاً کنترل نقدینگی از دو پایه تأثیر می‌پذیرد؛ اول خلق پول در شبکه بانکی کشور و دوم خلق پول در دولت. دولت از مسیر بودجه متوازن، خلق پول را کنترل می‌کند، موضوعی که در چندین سال گذشته کشور را درگیر خود کرده است. با توجه به اینکه در اقتصاد ایران، عموماً مخارج و هزینه‌های دولت از درآمد‌های آن بیشتر است لذا درآمدها کمتر از هزینه هاست و دولت دچار کسری بودجه می‌شود و طبیعتاً ناچار است کسری بودجه خود را از راه‌هایی تأمین کند پس بخشی از آثار رشد نقدینگی در اقتصاد از این محل ایجاد می‌شود.

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی افزود: یکی از مهم‌ترین دلایل تأکید مکرر کارشناسان اقتصادی بر لزوم اصلاحات اساسی در ساختار بودجه به دلیل کاهش نرخ تورم است اما از آن مهم‌تر لازمه اصلاح ساختار بودجه، صرفه‌جویی دولت است. به بیان دیگر باید با اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی یا حتی ریاضت اقتصادی در دوره زمانی مشخصی صبر کرد تا اقتصاد کشور به وضعیت نرمالی برسد.

حجت‌الله فرزانی معتقد است: با توجه به اینکه در سال‌های اخیر قسمت درآمدی بودجه بنا به دلایل بسیاری به صورت واقعی محقق نشده است اما دولت و مجلس رشد هزینه‌ها را به

صورت واقعی در بودجه لحاظ می‌کنند آن هم متناسب با رشد تورم، اما کسی به این موضوع توجه نمی‌کند که دولت درآمد واقعی برای پوشش دادن کسری‌های مالی و بودجه‌ای خود ندارد و به همین خاطر کسری بودجه پدید می‌آید بنابراین دولت به خلق پول روی می‌آورد. با این تفاسیر می‌توان گفت دولت خود تبدیل به عامل افزایش نرخ تورم می‌شود چرا که نتوانسته این پایه را کنترل کند.

وی در این باره افزود: اگر این پایه قابل کنترل بود یعنی دولت کسری بودجه‌ای نمی‌داشت قطعاً می‌توانستیم نتیجه بهتری در اقتصاد داشته باشیم چرا که کنترل نقدینگی عامل مؤثری در مهار تورم به شمار می‌رود.

فرزانی در خصوص سیاست‌های بانک مرکزی در خصوص جلوگیری از خلق نقدینگی گفت: اگر سیاست‌های انقباضی توسط بانک مرکزی ادامه نیابد و خلق پول بانک‌ها کنترل نشود توسعه اعطای اعتبار از طریق بانک‌ها از مسیر آزادسازی سپرده قانونی، کاهش نرخ سپرده قانونی که عکس آن توسط بانک مرکزی انجام می‌شود موجب رشد نقدینگی می‌شود که به زیان مردم است چرا که زمینه‌ساز افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم خواهد شد.

وی در ادامه بحث افزود: هر چند این موضوع جای بحث دارد که در کنار توجه به کاهش رشد نقدینگی و تلاش برای مهار تورم، کدام سیاست‌ها باید در دستور کار دولت و مجلس قرار بگیرد تا بخش مولد و فعالیت‌های تولیدی نقدینگی مورد نیاز خود را کسب کنند و شبکه تولید کشور در تنگنای عدم تأمین مالی قرار نگیرد.

شاخص

رشوه سنگین!

والاستریت ژورنال از یک معامله عجیب و میلیاردی خیر داده که در سکوت خبری کامل انجام شده است، بر اساس این گزارش، امارات متحده عربی نیمی از سهام شرکت ارز دیجیتال متعلق به خانواده دونالد ترامپ را خریداری کرده و مبلغ خیره‌کننده ۵۸۰ میلیون دلار را مستقیماً به حساب شرکت‌های ترامپ واریز کرده است. این خرید سنگین در شرایطی انجام می‌شود که از زمان جنگ اخیر ایران و اسرائیل، امارات با سرعت بیشتری به سمت آمریکا و ترامپ نزدیک شده است. ابوظبی با واریز صدها میلیون دلار به جیب خانواده ترامپ تلاش می‌کند امارات را در اولویت سیاست‌های ترامپ قرار دهد.



منهای نفت

۵/۱ میلیارد دلار

سالانه حدود ۱۰۰ هزار تن پسته از کشور صادر می‌شود که تقریباً ۱۰ هزار تن آن به اتحادیه اروپا می‌رسد و این حجم صادرات به اعتبار بین‌المللی ایران کمک می‌کند. از طرفی هم در این روزها اتحادیه اروپا پس از ارزیابی‌های تخصصی، صلاحیت آزمایشگاه‌های مرجع ایران را با اعتماد کامل تأیید کرده و گواهی‌های بهداشتی صادره از این مراکز برای صادرات پسته پذیرفته شد مسئله‌ای که می‌تواند صادرات پسته ایران را به رشد چشمگیری برساند! صادرات پسته سال گذشته حدود یک و نیم میلیارد دلار بود که این گواهی بهداشتی نه تنها جایگاه علمی کشور را تثبیت می‌کند بلکه اعتماد به محصولات صادراتی ایران را افزایش می‌دهد.



افزوده

رقابت

رقابت اقتصادی در بازارها روی می‌دهد که مکان ملاقات عرضه‌کنندگان و خریداران است. معمولاً چندین فروشنده برای جذب پیشنهادها مناسب از سوی خریداران احتمالی به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. رقابت سه مشخصه دارد که عبارت است از: «شمار فروشندگان بالا، کالا و یا خدماتی که فروخته می‌شود مشابه هم هستند و فروشندگان اضافی می‌توانند به آزادی وارد بازار شوند.» رقابت در علم اقتصاد بین فروشندگان در تلاش برای دستیابی به اهدافی چون سود فزاینده، سهم بازار، و حجم فروش از طریق تغییر دادن عناصر ترکیب بازاریابی انجام می‌گیرد: قیمت، کیفیت محصول، توزیع و تبلیغ.



ترامپ در برابر عظمت تشییع رهبر شهید دچار استیصال شد

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه بخشی از اظهارات ترامپ ناشی از انفعال است، تصریح کرد: ترامپ در برابر عظمت مراسم تشییع رهبر شهید کم آورده است. وقتی چنین حضور گسترده‌ای را دید، تلاش کرد با طرح ادعاهایی مانند اینکه «اجازه برگزاری مراسم را داده است»، این شکست را جبران کند.

در برابر مردم سر تعظیم فرود می‌آورد

سرلشکر محسن رضایی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، طی گفت‌وگویی با قدرانی از حضور گسترده مردم در مراسم تشییع پیکر رهبر شهید، اظهار کرد: به عنوان سرباز ملت ایران، در برابر این ملت سر تعظیم فرود می‌آورم که این هوشیاری، بیداری و حضور در صحنه را حفظ کردند و ان‌شاءالله نتایج این حضور در روزها، هفته‌ها و ماه‌های آینده آشکار خواهد شد. وی در پاسخ به پرسشی درباره فریادهای انتقام‌خواهی مردم در مراسم تشییع و تحلیل خود از این مطالبه عمومی، گفت: تشییع پیکر رهبر شهید به یک تشییع کم نظیر و تاریخ‌ساز تبدیل شد. این موضوع تنها برداشت داخلی نیست، بلکه به اعتقاد من در روزهای آینده اعتراف نخبگان و تحلیلگران بین‌المللی نیز نسبت به ابعاد این رخداد بیش از گذشته مطرح خواهد شد؛ چرا که بسیاری از آنان همچنان در بهت و شوک این



حادثه و پیامدهای آن قرار دارند.

عدالت‌خواهی جهانی با شعار «یا لثارات الحسین»

سرلشکر رضایی افزود: شعار «یا لثارات الحسین» که در مراسم تشییع از سوی مردم سر داده می‌شود، از نگاه من صرفاً یک شعار نیست، بلکه بیانگر عدالت‌خواهی جهانی، خون‌خواهی و مطالبه‌ای ریشه‌دار و اساسی است. بنابراین این موضوع به سرعت پایان نخواهد یافت، بلکه آثار، تبعات و پیامدهای آن در آینده آشکار خواهد شد. وی ادامه داد: امروز مردم با چشم خود مشاهده کردند که آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف آسیب زدن به ایران، تجزیه کشور، تخریب زیرساخت‌ها و ترور فرماندهان و نخبگان ایرانی وارد میدان شدند. بنابراین در کنار خشم عمومی، یک بیداری اجتماعی نیز شکل گرفته است.

آمریکا همانند برجام توافق را نقض خواهد کرد

سرلشکر رضایی افزود: پیش‌بینی من این است که آمریکا همان‌گونه که در موضوع برجام عمل کرد، این توافق را نیز در عمل نقض خواهد کرد. نمونه آن نیز اقداماتی است که اکنون در جنوب تنگه هرمز و استفاده از آب‌های ساحلی عمان دنبال می‌کند؛ اقدامی که امروز با عنوان فعالیت تجاری مطرح می‌شود، اما می‌تواند مقدمه‌ای برای اهداف بعدی باشد. وی در پاسخ به این پرسش که آیا این موضوع به معنای آغاز جنگی جدید علیه ایران است، گفت: یک بخش ماجرا به روند مذاکرات مربوط می‌شود و بخش دیگر احتمال آغاز درگیری‌های جدید است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته‌ام، نه جنگ از سوی آمریکا پایان یافته و نه دفاع ملت ایران. جنگ و دفاع هر دو ادامه خواهند

داشت، هر چند ممکن است شکل آن با جنگ دوازده‌روزه متفاوت باشد.

رسانه‌های خارجی

از حضور گسترده مردم شگفت‌زده شدند

سرلشکر رضایی با اشاره به بازتاب مراسم در رسانه‌های جهان اظهار داشت: یکی از موضوعاتی که موجب شگفتی رسانه‌های خارجی شده، حضور گسترده مردم در گرمای شدید و استمرار این حضور طی چندین روز است. وی افزود: چهار ماه از شهادت گذشته، اما شور، اشک، عزاداری و حضور مردم نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه همچنان ادامه دارد. افزون بر این، با وجود آنکه احتمال تداوم تهدیدات و درگیری‌ها وجود دارد، مردم با چنین حضوری در صحنه حاضر شده‌اند که ایس و ویژگی‌ها نشان می‌دهد این حرکت، فراتر از احساسات مقطعی است.

ترامپ در برابر عظمت تشییع رهبر شهید دچار انفعال شد

سرلشکر رضایی با بیان اینکه بخشی از این اظهارات ناشی از انفعال است، تصریح کرد: ترامپ در برابر عظمت مراسم تشییع رهبر شهید کم آورده است. وقتی چنین حضور گسترده‌ای را دید، تلاش کرد با طرح ادعاهایی مانند اینکه «اجازه برگزاری مراسم را داده است»، این شکست را جبران کند؛ در حالی که چنین ادعاهایی مضحک است و افکار عمومی جهان نیز آن را باور نمی‌کند.

قبیله عشق

خدمت بی‌منت



«میثم رضوان‌پور» همواره به همکاری خود توصیه می‌کرد به گونه‌ای کار کنند که سازمان از آنان طلبکار نباشد و هر کس بیش از آنچه موظف است، برای انجام مسئولیت خود تلاش کند. رضوان‌پور در عمل نیز به همین باور پایبند بود. هر زمان بحث اضافه‌کار، فوق‌العاده یا مزایای اداری مطرح می‌شد، کمترین سهم را برای خود در نظر می‌گرفت و معتقد بود این امکانات بیش از همه حق نیروهایی است که در مرزها و مناطق عملیاتی مشغول خدمت هستند، نه کارکنان ستادی. حتی در مواردی شخصاً پیگیر کاهش برخی مزایای دریافتی خود می‌شد تا حقوق بیشتری به نیروهای عملیاتی اختصاص یابد. این دقت تنها به امور اداری محدود نبود. در مراحل زندگی نیز این رویه وجود داشت. پادام است یک زمانی برای تهیه یخچال منزل پیشنهاد دادم از وام بلااستفاده بنده استفاده کند و آقامیثم اقساط آن را به تدریج بپردازد. اما پیش از انجام این کار، شهید برگه‌ای برداشت و قرارداد کاملی نوشت؛ از مشخصات وسیله گرفته تا مبلغ اقساط و حتی تعهد خانواده‌اش برای پرداخت بدهی در صورت وقوع هر اتفاقی برای او. آن روز شاید این میزان دقت برایم عجیب بود، اما امروز می‌فهمم چقدر نسبت به حق‌الناس حساس بود و نمی‌خواست کوچک‌ترین ابهامی در یک معامله باقی بماند. در کنار مسئولیت‌پذیری، ارادت شهید رضوان‌پور به اهل بیت (ع) و به‌ویژه امام حسین (ع)، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی او بود. با وجود فاصله بیش از هزار کیلومتری میان زاهدان و خمینی شهر، مدام پیگیر برنامه‌های هیئت بود، با دوستانش تماس می‌گرفت، برای برگزاری مراسم پیشنهاد می‌داد و نگران بود مبادا کاری بر زمین بماند. او خدمت به هیئت را صرفاً یک فعالیت فرهنگی نمی‌دانست، بلکه آن را وظیفه‌ای اعتقادی تلقی می‌کرد؛ نگاهی که حتی در برنامه‌های شخصی زندگی‌اش نیز نمود داشت. شهید رضوان‌پور حتی در حال ساخت طبقه‌های جدید در منزلش برای برگزاری هیئت بود؛ بعدها نیز دوستانش شنیدند که برای تکمیل همین مکان، خودروی تازه خریداری شده‌اش را فروخته تا ساخت‌وساز متوقف نشود. این روزها هر چه بیشتر به زندگی میثم فکر می‌کنم، بیشتر به این نتیجه می‌رسم که شهادت برای او یک اتفاق نبود؛ نتیجه سال‌ها زندگی با اخلاص، رعایت حق‌الناس، خدمت بی‌ادعا و دلدادگی به اهل بیت (ع) بود. بعضی آدم‌ها بعد از رفتن هم از زندگی اطرافیانشان حذف نمی‌شوند و میثم رضوان‌پور برای ما از همان آدم‌هاست.

به نقل از هادی دشتی، همکار شهید

سردار پاسدار میثم رضوان‌پور، معاون اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین و از فعالان برجسته فرهنگی کشور بود که در تجاوز هوایی رژیم صهیونیستی به سازمان بسیج مستضعفین به شهادت رسید. شهید رضوان‌پور پیش از این مسئولیت، معاونت فرهنگی سپاه حضرت‌صاحب‌الزمان (عج) استان اصفهان را برعهده داشت و همواره در خط مقدم فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و جهادی بود.

جانشین معاون سیاسی سپاه

شهید اکبرزاده در جبهه روشنگری سردار بود

سردار «عزیز غضنفری» گفت: شهید اکبرزاده در جبهه روشنگری و جهاد تبیین آرام و قرار نداشت و به حق هم طبق سنت الهی مزد این جهادگری‌اش را گرفت.

جانشین معاون سیاسی سپاه در مراسم وداع با سردار شهید محمد اکبرزاده معاون سیاسی نیروی دریایی سپاه در تجمع بزرگ مردم ساری در میدان امام حسین (ع) این شهر ضمن بزرگداشت مقام این شهید اظهار داشت: با این مردم مبعوث شده می‌شود کارهای بزرگ کرد. وی افزود: رشادت‌ها و شجاعت‌های مثال‌زدنی نیروی دریایی سپاه و هم‌زمان شهید تنگسیری با روایت‌گری‌های شهید اکبرزاده‌ها و هادیان سیاسی که در جبهه جهاد تبیین فعالیت کردند باعث شد که این شهید بزرگوار در ماه‌های اخیر جزو لیست‌های ترور و تحریم هم توسط دشمنان قرار گیرند. سردار غضنفری گفت: شهید اکبرزاده در جبهه روشنگری و جهاد تبیین آرام و قرار نداشت و به حق هم طبق سنت الهی مزد این جهادگری‌اش را گرفت.

معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی فرمانده معظم کل قوا

قدرت دفاع بومی میراث امام شهید است

سردار «رسول سنایی‌راد» گفت: اصرار ایشان بر تولید داخل به‌جای خرید خارجی، امروز صنعت موشکی و پهپادی ایران را به جایگاه بالایی رسانده است.

معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی فرمانده معظم کل قوا در گفت‌وگویی در تشریح نقش اندیشه‌های دفاعی رهبر شهید انقلاب در ارتقای توانمندی‌های نظامی ایران و رشد نیروی هوافضای سپاه، اظهار داشت: راهبر ایشان در جایگاه فرماندهی کل قوا، قدرت دفاعی کشور را به‌گونه‌ای جهشی ارتقا داد که آثار آن امروز در معادلات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای کاملاً مشهود است.

معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی فرمانده معظم کل قوا با تأکید بر نتایج این نگاه آینده‌نگر، افزود: اگر امروز توانسته‌ایم در مقابل آمریکایی‌ها واکنشی فراتر از تصور آنان نشان دهیم و آن ذهنیت بیمارگونه که ایران را در موضع ضعف تصور می‌کرد، با اقدام میدانی اصلاح کنیم، همگی مرهون همان توان موشکی و پهپادی است که در دوران زعامت امام شهیدمان رقم خورد.

فرمانده نیروی هوافضای سپاه

سیلی سخت به دشمن پایانی ندارد

سردار «سیدمجید موسوی» گفت: به امت شریف ایران اعلام می‌کنم، جان‌فدایان شما در نیروی هوافضا به نیابت از شما خوشه‌های خشم‌تان را بر سر دشمن آوار می‌کنند.

فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آستانه وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب پیامی صادر کرد. متن این پیام به شرح زیر است: اینک که با دلی خون و قلبی محزون، رهبر شهیدمان، آن یگانه دوران را به جایگاه والای ابدی خود بدرقه می‌کنیم، با خدای ایشان عهد می‌بندیم، تا تحقق اهداف عالی‌ای که در طول زعامت شریفشان برای جامعه اسلامی ترسیم کردند، لحظه‌ای از پا نخواهیم نشست. خط ما همان خواهد بود که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای اعلام کردند؛ هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید می‌شود، خود موضوع مستقلمی برای پرونده انتقام است. سیلی‌های سخت و غیر منتظره‌ای که دشمن دریافت کرد، پایانی ندارد؛ چرا که مسیر مبارزه حق و باطل پایانی نداشته و نخواهد داشت.

خبر

عملیات تروریستی

بر اساس اعلام روابط عمومی سپاه استان کرمانشاه، دو تن از نیروهای بومی سپاه شهرستان پاوه در اقدامی تروریستی و بزدلانه توسط اشراک به شهادت رسیدند و دو نفر دیگر نیز زخمی شدند. بر اساس اعلام روابط عمومی سپاه استان کرمانشاه، این حادثه در پی تیراندازی افراد مسلح تروریست به در منزل این دو پاسدار رخ داده است. در این اقدام تروریستی، دو تن از پاسداران بومی شهرستان پاوه شهید برهان کریسانی و شهید خالد خالدی‌نیا به شهادت رسیدند و دو نفر دیگر نیز دچار جراحت شدند که جزئیاتی از وضعیت آنان تاکنون منتشر نشده است.

انهدام کامل!

در پی ورود یک تیم از گروهک منحلہ دمکرات به مرزهای شمالغرب کشور برای اقدامات خرابکارانه و تروریستی، با رصد اطلاعاتی سربازان گنم‌انام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) در استان آذربایجان غربی و پشتیبانی آتش رزمندگان قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه‌السلام) نیروی زمینی سپاه این اشراک در کمین رزمندگان قرارگاه حمزه گرفتار و به صورت کامل متلاشی شدند. در این درگیری که در ارتفاعات مرزی شهرستان پیرانشهر صورت گرفت، این تیم پنج نفره بطور کامل منهدم شد و اجساد آنان به همراه انواع سلاح و تجهیزات در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت.

آمدگی ۱۰۰ درصدی

در راستای خدمت‌رسانی بی‌دریغ به شرکت‌کنندگان مراسم باشکوه معنوی وداع و تشییع پیکر مطهر رهبر شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، چهار بیمارستان نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌صورت فعال در سه استان قم، تهران و مشهد، در حال ارائه خدمات درمانی رایگان به مردم هستند تا پوشش کامل درمانی این ایام بزرگ را تضمین کنند. سردار صادق، معاون بهداری نیروی زمینی سپاه در خصوص این بیمارستان‌های سیار گفت: این بیمارستان‌ها کاملاً تخصصی و فوق تخصصی هستند؛ از لحاظ امکانات پزشکی کاملاً مجهز هستند و تمام امکانات تخصصی و فوق تخصصی یک بیمارستان شهری را دارا می‌باشند.

دیگران

مراسم میلیونی سوگواری ایرانیان

پاتریک وینتور

ستون‌نویس کارآزموده

در روزهای اخیر شاهد شکل‌گیری یکی از بزرگ‌ترین آیین‌های سوگواری در ایران هستیم که برای ما نه تنها یک مراسم مذهبی بلکه رویدادی با ابعاد سیاسی و اجتماعی گسترده به شمار می‌آید. پیکر علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی در طول سی و شش سال گذشته، در پی حمله مشترک آمریکا و اسرائیل در فوریه گذشته جان خود را از دست داد و اکنون مراسم وداع شش‌روزه او در تهران آغاز شده است. ما با صحنه‌هایی مواجه هستیم که در آن خیابان‌ها، ایست‌های بازرسی، موبک‌ها و نمادهای مختلف سوگواری از روزهای نخست در پایتخت شکل گرفته و میلیون‌ها نفر برای حضور در این آیین به حرکت درآمده‌اند. جمعیت‌های بزرگ در مسیرها دیده می‌شوند و پرچم‌ها و نمادهایی با مشیت گره‌کرده که نشانه مقاومت تلقی می‌شود، فضای شهر را پوشانده است. این مراسم از ابتدا با هدف نمایش همبستگی ملی، قدرت سیاسی و استمرار گفت‌وگو با مقاومت طراحی شده و در عین حال تلاش دارد پیام روشنی به جهان خارج منتقل کند.

در ادامه، مراسم در نقاط مختلف تهران و در مکان‌های بزرگ مذهبی ادامه یافته و پیکر در میان انبوه جمعیت برای نخستین بار به نمایش درآمده است. در این لحظات، احساسات جمعی به اوج رسیده و افراد تلاش می‌کنند با نزدیک شدن به تابوت، نوعی وداع شخصی و عمومی را تجربه کنند. برخی از فرماندهان ارشد سپاه و چهره‌های سیاسی نیز در این آیین حضور یافته‌اند و از «پیروزی مقاومت» در برابر فشارهای خارجی سخن گفته‌اند. در سطح منطقه‌ای نیز درخواست‌هایی برای انتقال پیکر به شهرهای مقدس عراق مطرح شده تا ابعاد آیینی مراسم گسترش یابد. با این حال، ترکیب هیئت‌های خارجی نشان‌دهنده کیفیت فضای دیپلماتی ایران در منطقه و جهان است؛ زیرا عمدتاً نمایندگان کشورهای محدود منطقه‌ای در سطح بالا حضور دارند و کشورهای غربی در این مراسم غایب هستند. این غیبت از سوی مقامات ایرانی به‌عنوان نشانه‌ای از قرار گرفتن غرب در «سمت نادرست تاریخ» تعبیر شده است. فضای سیاسی در روزهای مراسم به سمت تأکید بر گفت‌وگو، مقاومت و حتی ادبیات انتقام حرکت کرده است. برخی فرماندهان و چهره‌های سیاسی بر تداوم ایستادگی در برابر غرب تأکید دارند و آن را بخشی از هویت سیاسی کشور می‌دانند. در کنار این تحولات تدابیر امنیتی گسترده‌ای برای کنترل جمعیت و جلوگیری از بحران‌های احتمالی در نظر گرفته شده است. مراسم در تقارن با ماه محرم برگزار می‌شود و همین امر به آن بار نمادین مذهبی ویژه‌ای بخشیده است. در ایران این رویداد در امتداد تاریخ عاشوراایی تفسیر می‌شود و آن را با مفاهیم مقاومت در برابر ظلم پیوند دهند. از این منظر، مراسم نه تنها یک آیین سوگواری، بلکه صحنه‌ای برای بازتعریف هم‌زمان اقتدار سیاسی، انسجام اجتماعی و جهت‌گیری آینده نظام تلقی می‌شود؛ صحنه‌ای که در آن مرز میان سوگواری، بسیج سیاسی و بازتولید گفت‌وگو با ایدئولوژیک به‌طور آگاهانه کمرنگ شده است.



صبح صادق ابعاد مراسم وداع با رهبر حکیم انقلاب را معنا شناسی می‌کند

دلالت‌های ژئوپلیتیکی یک بدرقه

قدرت ملی مفهومی چندبعدی است که صرفاً به توان نظامی محدود نمی‌شود. در کنار قدرت سخت، مؤلفه‌هایی همچون انسجام اجتماعی، مشروعیت سیاسی، ظرفیت نهادی، توان مدیریت بحران و قدرت دیپلماتیک نیز در تعریف این مفهوم نقش دارند. از این منظر، مراسم وداع را می‌توان به‌عنوان صحنه‌ای برای نمایش هم‌زمان این ابعاد مختلف قدرت ملی در نظر گرفت.

این رویداد وقتی در سطح اجرایی با نظم، گستردگی و مشارکت مؤثر همراه می‌شود، پیام آن برای ناظران خارجی روشن است: جامعه‌ای که تحت فشارهای شدید امنیتی و نظامی قرار گرفته، همچنان از ظرفیت بالای انسجام و سازمان‌یافتگی برخوردار است. این امر در محاسبات هزینه و فایده هرگونه سیاست تقابلی علیه کشور نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، زیرا یکی از مؤلفه‌های اصلی در ارزیابی ریسک، میزان تاب‌آوری اجتماعی و سیاسی طرف مقابل است.

در این چارچوب، دستگاه‌های برنامه‌ریزی استراتژیک در قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهان، به‌طور طبیعی این رویداد را به‌عنوان یک داده مهم در تحلیل‌های خود لحاظ خواهند کرد. آنچه در تصاویر و گزارش‌های پس از مراسم منعکس می‌شود، در نهایت در قالب ارزیابی‌های کلان امنیتی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند بر جهت‌گیری‌های آینده در قبال ایران اثرگذار باشد.

سیاست در هیئت اجتماع

با عنایت به آنچه بیان شد، مراسم وداع با رهبری شهید انقلاب را باید فراتر از یک رویداد آیینی یا مذهبی تحلیل کرد. این رویداد در لایه‌های زیرین خود، حامل پیام‌هایی درباره وضعیت انسجام ملی، ظرفیت حکمرانی، جایگاه منطقه‌ای و قدرت دیپلماتیک کشور است. آنچه اهمیت دارد نه صرفاً ابعاد عاطفی یا نمادین مراسم، بلکه نحوه بازنمایی یک واقعیت پیچیده سیاسی در برابر نگاه ناظران داخلی و خارجی است.

در چنین بستری، این مراسم به یکی از نقاط تمرکز تحلیل‌های ژئوپلیتیکی در روزهای اخیر و حتی روزهای آینده تبدیل شده است. پس با توجه به آنچه بیان شد، هر آنچه در سطح خیابان‌های کشور رخ داده و می‌دهد، در نهایت در سطح اتاق‌های تصمیم‌سازی ترجمه می‌شود و در کیفیت و کمیت روابط دیگر کشورها با کشورمان بازتاب می‌یابد، از این‌رو اجتماعی مانند وداع با رهبر شهید صرفاً اجتماع مردم دوستدار رهبری نیست، بلکه نشانه‌ای از کیفیت و کمیت توان پایدار کشورمان در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل دشمنان علیه کشورمان است.

کیفیت تهدیدات علیه کشورمان را در هفته‌ها و ماه‌های آینده تعیین کند!

به عبارت بهتر کاهش مشارکت داخلی حتی در رویدادی مانند تشییع و تدفین یک رهبر سیاسی و مذهبی می‌تواند به‌موازات آن، در سطح خارجی نیز به عنوان نشانه‌ای از افت اعتبار و کاهش نفوذ سیاسی تعبیر شود. این برداشت در فضای رقابت‌های ژئوپلیتیکی معمولاً به بازنگری در محاسبات قدرت و کاهش هزینه ادر اکتشده برای اعمال فشار منجر می‌شود. پس هرگونه ضعف در بازنمایی ظرفیت بسیج اجتماعی کشور برای شرکت در مراسم تشییع و تدفین رهبری می‌توانست در محاسبات دشمن به مثابه سیگنالی برای تغییر توازن ریسک به نفع اقدامات تهاجمی تر باشد. مشخص است که پیامد چنین برداشتی صرفاً در حوزه تصویرسازی رسانه‌ای نمی‌ماند؛ این برداشت مستقیماً وارد محاسبات امنیتی و نظامی می‌شود و می‌تواند بر میزان احتیاط یا جسارت بازیگران متخاصم تأثیرگذار باشد.

دیپلماسی تشییع

در کنار بعد داخلی، بعد بین‌المللی این مراسم نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حضور هیئت‌هایی از نزدیک به یکصد کشور، شامل رؤسای دولت‌ها، مقامات عالی‌رتبه و نمایندگان رسمی، این رویداد را از سطح یک مراسم ملی فراتر برده و آن را به یک صحنه دیپلماتیک چندجانبه تبدیل کرده است.

در شرایطی که رقابت‌های ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا در بالاترین سطح خود قرار دارد، چنین سطحی از مشارکت خارجی، حامل پیام‌هایی درباره جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و استمرار نقش آن در ساختار قدرت منطقه‌ای است. این حضور را نمی‌توان صرفاً در قالب پروتکل‌های دیپلماتیک تفسیر کرد. در تحلیل روابط بین‌الملل، مشارکت مقامات عالی‌رتبه در رویدادهای حساس سیاسی، اغلب به‌عنوان نشانه‌ای از نوعی به رسمیت شناختن جایگاه ژئوپلیتیکی کشور میزبان تلقی می‌شود.

از این منظر، حضور گسترده هیأت‌های خارجی در مراسم پیش رو، می‌تواند بیانگر تداوم وزن سیاسی ایران در منطقه و شکست نسبی برخی پروژه‌های انزوای سیاسی باشد که در سال‌های گذشته دنبال شده است. در واقع، این سطح از تعامل دیپلماتیک نشان می‌دهد که ایران همچنان در معادلات امنیتی و سیاسی منطقه‌ای یک بازیگر قابل حذف نیست و هرگونه طراحی نظم جدید بدون در نظر گرفتن موقعیت آن با محدودیت‌های جدی مواجه خواهد شد.

قدرت ملی

در نظریه‌های کلاسیک و نوین روابط بین‌الملل،

که پیام‌هایش نه به جامعه داخلی، بلکه به بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی مخابره می‌شود. این ویژگی است که مراسم را از رسم و آیین یک تشییع و تدفین معمول فراتر برده و در ردیف رویدادهای ژئوپلیتیکی قابل توجه قرار می‌دهد.

از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی، اجتماعات بزرگ در شرایط پس از جنگ صرفاً تجلی احساسات عمومی نیست. این گردهمایی‌ها شاخصی برای سنجش انسجام اجتماعی و ظرفیت بازتولید نظم سیاسی هستند. حجم مشارکت، نحوه سازماندهی، کیفیت مدیریت جمعیت و میزان حضور نهادهای رسمی، همگی داده‌هایی برای تحلیل وضعیت واقعی جامعه‌اند، داده‌هایی که ناظران خارجی و داخلی از آنها برای ارزیابی شرایط کشورمان بهره‌می‌برند.

در سطح تحلیل راهبردی، اهمیت این رویداد با توجه به نقش آن در تولید اطلاعات راهبردی دوچندان می‌شود. چرا که امروزه بسیاری از ارزیابی‌های امنیتی کشورها براساس منابع باز یا OSINT انجام می‌گیرد، اطلاعاتی از رسانه‌ها، تصاویر میدانی، شبکه‌های اجتماعی و گزارش‌های رسمی و غیررسمی. مراسم وداع منبعی غنی از داده‌های تحلیل‌پذیر برای دستگاه‌های اطلاعاتی منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

تحلیلگران امنیتی در چنین رویدادهایی چند سطح از داده را مورد جست‌وجو قرار می‌دهند: نخست، میزان مشارکت و الگوی حضور جمعیت؛ شاخصی از انسجام اجتماعی و بسیج‌پذیری جامعه.

دوم، کیفیت مدیریت و کنترل رویداد؛ نشان‌دهنده توان حکمرانی و ظرفیت نهادی دولت.

سوم، بازتاب رسانه‌ای و بین‌المللی رویداد؛ کاری تعیین‌کننده در شکل‌دهی به ادراک جهانی نسبت به کشور.

در منطق تحلیل‌های اطلاعاتی، سطح مشارکت داخلی و همراهی بین‌المللی صرفاً داده‌ای آماری و نه چندان مهم و ساده تلقی نمی‌شود بلکه این اطلاعات به عنوان شاخصی برای سنجش سرمایه اجتماعی و وزن ژئوپلیتیکی یک کشور و ملت مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عبارت بهتر اگر این مراسم با مشارکتی محدود یا غیرمتناسب برگزار می‌شود، دستگاه‌های اطلاعاتی دوست و دشمن و تحلیلگران آن‌ها این موضوع را نشانه‌ای از شکاف در انسجام اجتماعی و کاهش توان بسیج سیاسی نظام حکمرانی کشورمان می‌خوانند. این تعبیر در ادبیات امنیتی به معنای افزایش «آسیب‌پذیری ادراک‌شده» یک واحد سیاسی است، مفهومی که مستقیماً در سنجش بازدارندگی و میزان ریسک‌پذیری اثرگذار است و می‌تواند شکل و



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

شهادت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب، در نهم اسفند سال گذشته و در نخستین دقایق شروع جنگ رمضان صرفاً رخدادی تلخ و اندوه‌بار در تقویم سیاسی کشور نبوده و نخواهد بود چرا که این واقعه به نقطه عطفی در روند تحولات امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه تبدیل شد و تقابل میان ایران و قدرت‌های متجاوز را وارد مرحله‌ای کرد که در ادبیات روابط بین‌الملل «گذار از درگیری نیابتی به مواجهه مستقیم و ساختاری» نام دارد. پیامدهای این رخداد در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک به سرعت گسترش یافت و نظم سنتی منطقه را وارد فصل جدیدی با محوریت ایران کرد، البته هم‌زمان دستگاه حکمرانی کشورمان نیز به دلیل حملات ترکیبی دشمنان متجاوز و اعمال محاصره دریایی به شدت تحت فشار قرار گرفت که مدیریت آنها نیازمند اولویت‌بندی سخت‌گیرانه در حوزه امنیت ملی بود.

در چنین شرایطی، امکان تشییع و تدفین رهبری شهید تا چند ماه وجود نداشت لذا به‌تعویق افتادن مراسم تشییع و تدفین نتیجه مستقیم شرایط جنگی و ضرورت حفظ ثبات ساختاری کشور بود. اما اکنون که کشور وارد مرحله جدیدی از وضعیت پس از جنگ شده است، مراسم وداع با پیکر رهبر شهید در تهران، قم، مشهد و عتبات عالیات بیش از یک آیین سوگواری است.

این رویداد به یک متن چندلایه سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی تبدیل شده است. بایستی به این نکته توجه داشت که تا زمان شکل‌گیری آتش‌بس و کاهش نسبی سطح تنش، امکان برگزاری یک اجتماع ملی در مقیاسی تاریخی برای مراسم وداع با رهبری شهید وجود نداشت. اما با ورود به مرحله‌ای جدید از وضعیت پس از جنگ و عقب‌نشینی نسبی دشمنان از مواضع اولیه علیه کشورمان، برگزاری این مراسم در تهران، قم، مشهد و عتبات عالیات، معنایی فراتر از یک آیین سوگواری یافته است و به یک رویداد چندلایه سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی تبدیل شده است.

از سوگ تا معناهای راهبردی

این رویداد در سطح نخست، مراسمی است ملی با مشارکت میلیونی. لکن با نگاهی عمیق‌تر به این موضوع در می‌یابیم که این اجتماع یک کنشی سیاسی تمام‌عیار نیز هست

در تحلیل تاریخ اندیشه معاصر، کمتر رهبر سیاسی و مذهبی را می‌توان یافت که دوشادوش هدایت کلان جامعه، پیوندی وثیق، دیرینه و تخصصی با جهان هنر داشته باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، علاوه بر آنکه در قامت یک رهبر سیاسی و فقیه برجسته شناخته می‌شوند، شخصیتی آمیخته با ذوق ادبی، اشرف بر ظرایف شعر و تسلط بر نقد ساختاری مکتوبات و آثار هنری دارند. ایشان خود دستی چیره بر آتش شعر و ادبیات دارند، دقایق بلاغت را به خوبی می‌شناسند و سالیان متمادی در محافل ادبی سرآمد بوده‌اند.

این پیشینه منحصر به فرد، از ایشان یک تحلیل‌گر و مفسر هنری جامع‌الاطراف ساخته است؛ نظریه‌پردازی که وقتی از سینما، موسیقی، رمان، تئاتر و هنرهای تجسمی سخن می‌گوید، نگاهش صرفاً از موضع امر و نهی حکومتی یا فقهی محض نیست، بلکه از دیدگاه کارشناسی دغدغه‌مند، ساختارشناس و آشنا با تاروپود فرم و محتواست. در دیدگاه ایشان، هنر نه یک مقوله حاشیه‌ای یا فتنی، بلکه رکن اساسی تمدن‌سازی و رساترین ابزار برای تجلی حقایق عالم است. در این نوشتار، با اتکا به بیانات و اصول ترسیم‌شده از سوی ایشان، به واکاوی ابعاد گوناگون هنر، مسئولیت‌های هنرمند و به‌ویژه جایگاه کلیدی سینما و هنر مقاومت می‌پردازیم.

♦ رساترین زبان ابلاغ پیام

در هندسه فکری رهبر انقلاب، هنر پیش از هر چیز یک شیوه بیان و ادا کردن است؛ اما شیوه‌ای که بر تمامی فرم‌های تبیین بیانی، علمی و گزارش‌گری برتری دارد. ویژگی‌های کلیدی که ایشان برای هنر برمی‌شمارند نشان می‌دهد که این ابزار، از هر تبیین دیگری رساتر، دقیق‌تر، نافذتر و ماندگارتر است. ایشان بارها تأکید کرده‌اند که حتی دقیق‌ترین گزارش‌های علمی و تحقیقی، اگر از چاشنی ارانه هنری بی‌بهره باشند، نمی‌توانند اثری پایدار در روح جامعه باقی بگذارند. «ابزارهای هنری بی‌شک، رساترین، بلیغ‌ترین و کاری‌ترین ابزار ابلاغ و تبلیغ است»

حقیقت اساسی در فرمایشات ایشان این است که هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود. بنابراین جبهه حق برای مانا شدن آرمان‌هایش، حیاتی‌ترین نیاز را به قالب هنر دارد. اما هنری ارزشمند است که در خدمت حق، انسانیت، راستی و درستی قرار گیرد تا بتواند فضای جامعه را درخشان و پر فروغ سازد.

♦ ضرورت پرهیز از سطحی‌نگری

یکی از دقیق‌ترین مضامینی که نشان‌دهنده نگاه تخصصی رهبر شهید انقلاب به ساختار آثار هنری بوده است، توازن میان قالب و محتوا است. ایشان بر این باور بودند که کار هنر با محتوای غنی به پایان نمی‌رسد، بلکه قالب نیز ارزشی حیاتی دارد. به تعبیر زیبایی‌اش، ظرف نازیبا، مظهر و زیبا را زشت جلوه می‌دهد و برای دست‌یابی به این ظرف زیبا و فاخر، مجرد داشتن استعداد ذاتی کافی نیست، بلکه آموزش مستمر و حرفه‌ای یک ضرورت است. از این‌رو، هنرمندان پیش‌کسوت که توانایی آموزش اصول هنری را در خود می‌بینند، موظفند به یاری جوانان بشتابند.



از سوی دیگر، پیوند عمیقی میان هنر و اخلاق وجود دارد. هر چه هنرمند به مراحل بالاتری از تفکر، اندیشه و درک عقلانی دست یابد، جوهره کار او ارتقا یافته و پشتوانه محکم‌تری می‌یابد؛ چرا که نمی‌توان در وادی مقدس هنر با انگیزه‌های سطحی، مادی یا ناسالم گام برداشت و به سرافرازی و موفقیت حقیقی رسید.

♦ بازتعریف هنر دینی: فراتر از نمادها

یکی از کلیشه‌های رایج در عرصه فرهنگی، محدود کردن هنر دینی به استفاده از نمادها و عناصر ظاهری، مناسک خاص یا واژگان مذهبی است. رهبر انقلاب با خط بطلان کشیدن بر این نگاه سطحی، تعریفی پویا و کلان از هنر دینی ارائه دادند و تأکید کردند که در هنر دینی، الزامی به استفاده از واژگان یا نمادهای مذهبی نیست، بلکه ترویج هنر مندانه مقولاتی نظیر عدالت، حقوق انسانی و مسائل اخلاقی و پرهیز از ابتذال و استحاله هویت انسان و جامعه، می‌توانند نمونه‌های خوبی از هنر دینی باشد؛ «هنر دینی عدالت را در جامعه به صورت یک ارزش معرفی می‌کند؛ ولو شما هیچ اسمی از دین و هیچ آیه‌ای از قرآن و هیچ حدیثی در باب عدالت در خلال هنر تان نیاورید. مثلاً هیچ لزومی ندارد که در محاورات سینمایی یا در تئاتر، نام و یا شکلی که نماد دین است، وجود داشته باشد تا حتماً دینی باشد؛ نه، شما می‌توانید در باب عدالت، رساترین سخن را در هنرهای نمایشی بیاورید. در این صورت به هنر دینی توجه کرده‌اید.» هنر دینی از نگاه شهید امام خامنه‌ای، هنری است که معارف الهی و در رأس آن اسلام مبین را با هدف سعادت حقیقی بشر در جوامع انسانی منتشر کرده و آن را در افکار انسان‌ها جاودانه سازد. تئاتر یا فیلمی که کرامت انسانی، ظلم‌ستیزی و اخلاق را بدون گل‌درشت کردن شعارهای مذهبی به تصویر بکشد، در عمق خود یک هنر دینی و الهی است.

♦ سینما؛ کلید پیشرفت

در میان تمامی هنرهای جدید، سینما در نگاه رهبر انقلاب جایگاهی متمایز و فوق‌العاده رهبردی دارد. ایشان سینما را یک هنر برتر و یک روایتگر کاملاً مسلط می‌دانند که تاکنون هیچ شیوه بیانی دیگری نتوانسته است به اندازه آن در روایت یک واقعیت و یک حقیقت، کارآمد، پیچیده، پیشرفته و متعالی باشد. فیلم و سینما از نظر ایشان وسیله‌ای بلیغ و رسا برای ارائه برترین حقایق عالم یعنی حقیقت دین به شمار می‌رود و بر این اساس، اعتلای سینمای کشور یک نیاز و ضرورت محسوس است که همه باید آن را درک کنند.

ایشان در دیدار با سینماگران در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۵ به صراحت بیان کردند که کلید پیشرفت کشور به میزان زیادی در دست سینماگران

تعریف نوین از هنر تمدن‌ساز

ترزریق سیمان به پایه‌هایی است که می‌خواهیم مستحکم و ماندگار کنیم و این اقدام، موجب تقویت هویت ملی و پیشرفت کشور می‌شود. به همین دلیل، خود این کار فرهنگی و روایت جهاد، نوعی جهاد محسوب می‌شود؛ زیرا در برابر جریان باطلی که می‌خواهد این مفاخر و احساس اقتدار معنوی به دست فراموشی سپرده شود، مقاومت می‌کند. این میدان بسیار وسیع است و هنوز بخش‌های کشف‌نشده و مضامین بکر فراوانی دارد که هنرمند با جست‌وجو در آنها می‌تواند آثار گویایی خلق کند.

♦ تهاجم فرهنگی و هژمونی سیاسی در مجامع هنری جهان

یکی از تحلیل‌های کلان و رهبردی رهبر شهید انقلاب، بررسی دست‌های پشت پرده و جریان‌های سیاسی در مجامع هنری بین‌المللی است. ایشان پا رد این ادعای دروغین که هنر نباید با سیاست آمیخته شود، ابراز کرده بودند که مجموعه‌های هنری غرب و در رأس آنها هالیوود، کاملاً سیاسی هستند. گواه این مدعا آن است که فیلم‌های ضد صهیونیستی و انقلابی ایران در این جشنواره‌ها اجازه حضور پیدا نمی‌کنند و بایکوت می‌شوند. ایشان این رفتار را با عملکرد سازمان‌های بین‌المللی مانند شورای امنیت، سازمان ملل در قضیه بوسنی، سازمان ایکنو در ماجرای سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط آمریکا، و سازمان عفو بین‌الملل مقایسه می‌کنند که در پشت ظاهر بی‌طرفانه خود، کاملاً در جهت منافع قدرت‌های بزرگ عمل می‌کنند. در چنین فضای نابرابری، دشمن از ابزار هنر، سیاست و اقتصاد برای دگرگون کردن فرهنگ داخلی ملت ما استفاده می‌کند؛ چرا که می‌داند اگر فرهنگ استقلال و ایستادگی تغییر کند، دیگر مبارزه‌ای باقی نخواهد ماند. در نتیجه، تولید کالای فرهنگی متعهد و توجه به محتوای عمیق و باکیفیت علمی و هنری، خط مقدم مقابله با این تهاجم عظیم است.

♦ وظایف سینمای انقلابی

رهبر انقلاب انتظار و توقع انقلاب از جامعه هنری را یک توقع کاملاً مبتنی بر مبانی زیباشناختی می‌دانستند، نه یک خواسته تحمیلی. در جریان انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، حماسه‌های شگفت‌انگیزی از ایثار و فداکاری خلق کرد و وظیفه هنرمند این است که با همان نگاه زیباشناختی به این پدیده‌ها بنگرد و این زیبایی‌ها را با زبان هنر مندانه تبیین کند. در میان روش‌های بیانی، هنر نمایش از همه بخش‌ها رساتر، فراگیرتر و جالب‌تر است و باید برای تبیین حقایق دینی از این زبان بهره گرفته شود تا جامعه هنری دین خود را به انقلاب ادا کند.

♦ دفاع مقدس؛ گنجینه تمام‌نشدنی

و ثروت ملی

بخش وسیعی از بیانات رهبر انقلاب به هنر دفاع مقدس اختصاص دارد. از نظر ایشان، هشت سال دفاع مقدس صرفاً یک برهه زمانی گذرا نیست، بلکه یک گنجینه عظیمی است که ملت ما تا مدت‌های طولانی می‌تواند از آن استفاده کرده، آن را استخراج کند و روی آن سرمایه‌گذاری نماید. این دوران مظهر صفات والا، فرهنگ‌های ممتاز و معارف والایی است که ملت در طول تاریخ ارث برده بود و با انقلاب بروز کرد. رزمندگان و هنرمندان در این عرصه مانند آینه‌ای در مقابل مظهر جمال و جلال هستند و با نوشته‌ها و فیلم‌های خود، آن حوادث پرهزینه و باارزش را بازآفرینی کرده و همان تأثیرات عمیق شجاعت، ایثار، اخلاص و صدق را در مخاطب امروز ایجاد می‌کنند.

خاطرات دوران دفاع مقدس یک ثروت ملی است که به شخص راوی تعلق ندارد، بلکه مال همه است و باید با شیوه‌های هنری زنده نگاه داشته شود. ایشان تأکید می‌کنند که متن واقعیت دفاع مقدس آنقدر فاخر، معجز نشان و زیباست که نیازی به مبالغه و اغراق ندارد. کار هنرمندانی که در این عرصه اثر تولید می‌کنند، در واقع یک

♦ احیای سرود

رهبر شهید انقلاب در میان قالب‌های صوتی و موسیقایی، توجه ویژه‌ای به اصالت و کارکرد سرود داشتند. ایشان سرود را یکی از ظرفیت‌های هنری گران‌بها برای گسترش ارزش‌های معرفتی و عملی می‌دانستند. راز اثرگذاری استثنایی این هنر در سراسر جهان، در ترکیب بدیع شعر، صدا و آهنگ در اجرای دسته‌جمعی نهفته است که خوشبختانه ذوق و هنر ایرانی در این بخش توانسته کشور را در شمار سرآمدان قرار دهد. توصیه کلان ایشان به دست‌اندرکاران این عرصه، زنده‌گزینی در هر سه جزء یادشده، پرهیز از دنباله‌روی‌های زیان‌بار غربی و انتخاب موضوعات ارزشی، اسلامی، انقلابی و ملی بود.

♦ هنر انقلابی، هنر مقاومت و آگاهی

در جمع‌بندی دیدگاه‌های قائد شهید امت حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای، هنر امروز ایران چیزی جز هنر مقاومت نیست؛ هنری که شرط اصلی آن، آگاهی، زمان‌شناسی، شجاعت و گستاخی مقدس در برابر تهاجم وحشیانه فرهنگی است که قصد به ذلت کشاندن ملت را دارد. از منظر این فقیه و رهبر هنرشناس، هنر ابزاری قدسی است که باید با معیارهای اسلامی آموخته شده و به کار گرفته شود تا مفاهیم الهی را به زیباترین شکل به تجلی درآورد. تفکر ایشان بستری راه‌یابی‌بخش و پویا برای هنرمندانی فراهم می‌آورد که می‌خواهند بدون غلتیدن در ورطه ابتذال یا شعاردگی سطحی، با سلاح فرم فاخر و محتوای انسانی، آینه‌دار جلال و جمال حقیقت باشند و هویتی اصیل را در تاریخ ماندگار سازند.

یادداشت

خون تاریخ‌ساز

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



ایران بعد از انقلاب، صحنه بی‌بدیل ظهور قهرمانان است؛ هیچ بخش از تاریخ و جغرافیای جهان، تجربه ایران ۴۷ سال اخیر را نداشته که زاینده‌زنان و مردانی فراتر از اسطوره‌ها باشد. منبع زایش این اسوه‌ها، اسلام انقلابی است که در عاشورای حسینی تجلی یافت و در انقلاب خمینی احیاء شد. ویژگی قهرمانان عاشورایی این است که با مرگ سرخشان، زمینه‌ساز تولد بزرگانی چون خودشان هستند؛ قهرمانانی بی‌بدیل اما زنده‌کننده. شهید آیت‌الله امام سیدعلی خامنه‌ای از این دست قهرمانان است که شکست ناپذیرند؛ تا دم آخر می‌رزمند و دم از تسلیم نمی‌زنند. او بعد از یک عمر جهاد و مبارزه با کسب شهادت به فتح عظیم و والاترین جایگاه بشری رسید. شهید خامنه‌ای نیز همچون جدش امام حسین(ع) که با خانواده‌اش و آگاه از اینکه مرگ سرخ در انتظارش است در میدان حاضر شد و حسین‌وار با خوش به جنبش یاران و همراهانش قدرتی چند برابر بخشید و به صحنه نبرد، خونی تازه دمید. خامنه‌ای(ره) نیز چون حسین(ع)، به دست اشرف‌الاشقیای زمان به شهادت رسید، اما این فرجام نه نقطه پایان، که آغاز غلیان بی‌پایان اراده یک امت و ساخت تاریخ و تمدنی جدید است.

تفاوت رهبر شهید و جهان‌قهرمان ما با سایر قهرمانان دنیا از جمله در غرب در چیست و چرا خون او هندسه عالم را دگرگون می‌کند؟ آنچه در فرهنگ و رسانه‌های غربی -به ویژه در هالیوود- قهرمان یا ابرقهرمان عنوان می‌یابد، تجلی نفسانیت و خودبزرگ‌پنداری انسان بدون تاریخ و بی‌هویت غربی است؛ «من»‌هایی قارچ‌گونه مانند سوپرمن و باتمن که می‌آیند تا احساس ضعف و تفرقه ملت آمریکا را در تاریکی سالن‌های سینما پنهان کنند. غرب به دلیل فقر شدید در داشتن قهرمانان راستین و مردمی، این کمبود را با خلق شخصیت‌های خیالی جبران می‌کند. معکوس این روند، ایران، فرهنگ و رسانه‌اش نیازی به افسانه‌پردازی ندارند؛ چرا که در این سوی جهان، قهرمانانی فراتر از تخیلات و پرده سینما، در روشنایی حقیقت ظهور کردند، زیستند، مقتدرانه مکر دشمن را در هم کوبیدند و به شهادت رسیدند. کدام تصویرگر یا کارگردانی می‌تواند وسعت شخصیت، صلابت بی‌ظنیر و اشرف الهی امام خامنه‌ای را بازآفرینی کند؟ او قهرمان اول درامی الهی و تمدنی بود که با ابزارهای مادی و دنیوی قابل درک و بازتولید نیست.

اگر قهرمانان غربی و هالیوودی نامیرا طراحی می‌شوند چون مرگشان به منزله فروپاشی و نامیدی تام است، در فرهنگ حسینی ما، افتادن به خاک عین برخواستن است. یزیدیان زمانه از پیکر مطهر و خون جاری این رهبر حکیم، بیش از زنده او هراس دارند. خون امام خامنه‌ای، رودی است که فوران آن، روح ایستادگی، زاینده‌گی و حیات دوباره را به رگ‌های ملت ایران و مستضعفان جهان دمید و تاریخ و آینده «تمدن نوین ایرانی و اسلامی» را از نو بازسازی، ریل‌گذاری و معماری خواهد کرد.

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: عبدالله جوانی

سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سیامک باقری، سعدالله زارعی،

عزیز غضنفری، مهدی سعیدی، فتح الله پریشان،

علی قاسمی، حسین عبداللہی فر، رضا صارمی زاد

دبیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی

مدیر فنی: محمد صالح نادری

نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی

صفحه آرا: علی اکبر هدایتی

عکاس: حامد گودرزی

ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۴۴۶

تلفن: ۱۱۰ و ۱۰۰۰۷۷۴۶ (۰۲۱)

sobhesadegh.ir

@sobhesadegh_fa

نمبر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۰۲۳۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۲۴۴ | دوشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۵

صبحانه

اعتماد به خدا

وقتی انسان با خدای متعال حرف می زند، هم به او اعتماد و توکل می کند، هم از او طلب و درخواست می کند؛ این اعتماد و توکل به خدا، به انسان شجاعت می بخشد.

رهبان شهید انقلاب ۱۳۹۵/۹/۲۳

صادقانه

مایه تعجب!

امام حسن (ع) می فرماید: «در شگفتم از کسی که درباره خوراک جسم خود می اندیشد؛ چگونه درباره خوراک فکر خود نمی اندیشد؟ شکمش را از آنچه زیانبار است پرهیز می دهد، اما به سینه خود چیزهایی می سپارد که مایه نابودی اش می شود.» میزان الحکمه، جلد ۸، صفحه ۵۶

داستان



من تا آخرش هستم

نجمه جوادی

نویسنده

می ایستم رویه روی پل جمهوری. مردم با پرچم و عکس امام امت، شعار می دهند. هر لحظه جمعیت بیشتر می شود.

خانمی سالخورده می ایستد کنارم. ابروهایش در هم است و با تلفن همراهش صحبت می کند. نمی خواهم بشنوم؛ اما نمی شود. بلند صحبت می کند و حرکت پرچم توی دستش هم قطع نمی شود. صحبتش که تمام می شود، می گوید دخترش از آن طرف دنیا زنگ زده و گفته نرود تجمع! نمی داند از کجا می فهمند که هر شب می آید! شاید هم تلفنش شنود می شود!

دخترش گفته بود اگر بفهمند مادرش می رود تجمع، اذیتش می کنند و از کارش اخراج می شود. دخترش معتقد بود چیزی به پایان این رژیم نمانده و باید حواسش را خیلی جمع کند.

می خواهم دل‌داری اش بدهم که می گوید دخترش برایش دعوت‌نامه فرستاده که برود پیشش.

نمی دانم از آن طرف خط چه شنیده که احوالاتش به هم ریخته است. پرچم را تند تند توی هوا تکان می دهد و با صدای بلند می گوید: «هر چه می خواهد بشود، من تا آخرش هستم!»

آخرین شب در حسینیه

مریم حاجی علی

نویسنده

پرسیدم قبلاً هم اینجا آمده بودی؟ حسرت زده گفت: «آخرین باری که آمدم بیت، ایام فاطمیه بود. آن شب یک دل سیر آقا جان را نگاه کردم. مراسم تمام شد و همه داشتند از حسینیه خارج می شدند اما نمی دانم چرا من پای رفتن نداشتم. دو رکعت نماز خواندم، به زیلوه‌ها دست می کشیدم و دلم نمی آمد بروم. آن شب خوب به در و دیوار حسینیه نگاه کردم. با خودم گفتم شاید عمرم به دنیا نباشد و قسمت نشود بار دیگر به این حسینیه بیایم، برای همین تا چراغ‌ها را خاموش کنند همان‌جا نشستم

بعد از دهم ماه مبارک رمضان خیلی آن لحظات را مرور می کنم. آن شب نمی دانستم قرار است با شهادت آقا جان، دیگر پایم به حسینیه نرسد. خوشا به حال آن‌هایی که قبل از آقا رفتند و این داغ به دل‌شان نماند. خوشا به حال شهدا...»

جایش خیلی خالیست

نعیمه السادات کاظمی

نویسنده

وقتی از بین مزارهای گلزار عبور می کردم نمی دانستم با این همه اسم و عکس که گره توی گل‌ها می‌سازند و جای نفس برایت نمی‌گذارند چه باید بکنم. چطور می‌شود از بین این‌ها انتخاب کرد؟ کدام را روایت کنم؟

با دیدن عنوان زیر عکسش که نوشته بود «حافظ قرآن» ایستادم. کنار مزارش زنی سیاه‌پوش نشسته و خیره به نقطه‌ای روی زمین، بی تلاطم، تسبیح می‌اندازد. پسری سر روی پایش گذاشته و خوابیده. طرف دیگر سنگ مزار، یک دختر نوجوان زانو به بغل گرفته و با صدای کم جانی که از گوشی اش پخش می‌شود، آرام تکان می‌خورد. روی مزار پر از تسبیح است؛ تسبیح‌های سبز. دست روی شانه دختر می‌گذارم. «ببخشید، نسبت شما با شهید چیه؟» چشم‌های سیاهش را به طرفم بالا می‌گیرد «خواهرمه.» بغضی که با گذاشته بود روی حلقومم، دارد رها می‌کند. کنار دختر می‌نشینم روی زبلو.

دختر کلاس نهم است، پانزده ساله. «من مدرسه بودم. گفتن تهران رو زدن. باور نکردیم. توی آب‌خوری مدرسه بودم که صدای انفجار اومد. خیلی صدایش بلند بود.» سخت حرف می‌زند. «دایم او آمد دنبال من که برگردیم خونه. گفت بعد بریم دنبال ستایش.» اشک‌ها روی صورتش راه گرفته. «اما مدرسه کو؟ مدرسه نبود که... دیدم ساختمان مدرسه نیست، ناپدید شده. گشتم دنبالش.» خیره مانده‌ام به منجوق‌های لبه چادرش و صدای دمام توی سرم می‌کوبد. «من تکه‌های بدن روی زمین می‌دیدم... خیلی بد بود. آخرش ستایش رو توی بیمارستان پیدا کردیم.»

لب‌هایش می‌لرزد و با دست تندتند خیسی صورتش را پاک می‌کند. «من خودم این مدرسه درس خوندم. معلم‌هاش رو می‌شناختم. معلم‌های من هم بودن. همه‌ش برام خاطره بود.» چقدر طول می‌کشد تا این خاطره از ذهن دختر پاک بشود؟ صورتش را روی زانوهایش می‌گذارم. «جاش توی خونه هم خیلی خالیه. خیلی...» جای مدرسه خالی است؛ جای ستایش هم... جاهای خالی‌ای که هیچ‌وقت قرار نیست پر بشوند.

گوشی اش را باز می‌کند، می‌گیرد جلوی روم و یک ویدئو پخش می‌کند. ازش پرسیده بودم از ستایش فیلم دارد یا نه. این را نشان می‌دهد. راهپیمایی بعد از اغتشاشات دی‌ماه است. «این ستایشه.» دختری را نشانم می‌دهد که چادر آستین‌دار به سرش دارد و خنده‌ای پرسروصدا به لب. با چند بچه دیگر، کوچک و بزرگ، کنار هم راه می‌رفتند، پرچم‌های کوچک ایران توی دستشان را تندتند تکان می‌دادند و با شوری کودکانه بلندبلند شعاری را تکرار می‌کردند: «خانم‌های رهبرم، جانم فدای کشورم.»

هر روز تجدید پیمان

از همان ساعت‌های اولیه که بیت را زدند، من سرم را انداخته‌ام پایین و خودم را تا جایی که اجازه داده‌اند نزدیکش رسانده‌ام. اصلاً همین چند روز قبل سری به مقتل شهدای پاسدار زده بودم. هر بار غصه روی غصه می‌نشست؛ امروز اما با همه آن روزها فرق داشت.

از ماشین‌های پارک‌شده سر خیابان تارفت‌وآمد آدم‌ها، از ماشین‌های آتش‌نشانی و پلیس تا گله‌به‌گله ایستادن‌شان، همه و همه انگار می‌گفتند: «جمعیت برای دیدار آقا می‌رود.»

نوحه‌خوان می‌خواند: «این قوم مستضعف موسی دارد...» زن و مرد، هم‌نوا با صدای بلندگو می‌خواندند و جلو می‌رفتند. تا سر کوچه اشکیوس، شور همان شور بود و هیجان همان هیجان و نوایی که می‌گفت: «انا علی العهدی، لیک یا مهدی...»

انگار زمین و آسمان خیابان فلسطین دست به دست هم داده‌اند که بگویند: «موقع تجدید پیمان است...»

غیر رسمی

ماجرای آن روز

قبل از تشکیل مجلس خبرگان ۱۴ خرداد، با تضرع و التماس از خداوند خواستم اگر این کار برای دین و آخرت من زیان دارد، کاری کن این اتفاق نیفتد.

آنچه که در خصوص تعیین رهبر واقع شد و بار این مسئولیت بر دوش بنده کوچک ضعیف حقیر گذاشته شد، برای خود من حتی یک لحظه و یک آن از آنات گذشته زندگی، متوقع و منتظر نبود.

اگر کسی تصور کند که در طول دوران مبارزه و بعداً در طول دوران انقلاب و مسئولیت ریاست قوه اجرایی، حتی یک لحظه در ذهن خودم خطوط می‌دادم که این مسئولیت به من متوجه خواهد شد، قطعاً اشتباه کرده است.

اما حالا که این بار را روی دوش من گذاشتند، با قوت خواهم گرفت؛ آن چنان که خدای متعال به پیامبرانش توصیه فرمود: «خذها بقوة». برای این مسئولیت، از خدا استمداد کردم و باز هم استمداد می‌کنم و هر لحظه و هر آن، در حال استمداد از پروردگار هستم، تا بتوانم این مسئولیت را در حد وسع خودم که تکلیف هم بیش از وسع نیست. با قدرت و قوت و حفظ شأن والای این مقام، حفظ کنم و انجام بدهم. این تکلیف من است، که امیدوارم ان‌شاءالله مشمول لطف و ترحم الهی و دعای ولی عصر (عج) و مؤمنین صالح باشم.

سخنان رهبر شهید درباره انتخاب ایشان به عنوان رهبر انقلاب

حسن ختام

آجرک الله یا صاحب الزمان

سلام بر قلب شکسته‌ای که این روزها شال عزا بر دوش دارد و همراه بی پناهی ما برای به آسمان سپردن فرزندی از سلاله مادرش زهرا هم‌قدم شده.

سلام بر شما که ظلم‌های رفته بر ما را می‌بینی و تنها چیزی که سر پا نگه‌مان داشته همین نگاه شماست و گرنه ما کجا و تحمل این وداع تلخ با پدر.

او را یک جهان می‌شناسد و در سوگ از دست دادنش همراه با ما اندوه را به آغوش کشیده؛ حالا که سایه مهربانش از سر ایران قوی، کم می‌شود و گمان می‌بریم از این داغ جان سالم بدر نبریم، او به آینده کشوری که به دست‌مان سپرد امیدوار رفت و حالا تنها چیزی که می‌تواند سرپا نگه‌مان دارد نگاه اوست به داستان ما تا این پرچم چون همیشه بالای‌بالا بماند.

